

سواب یک ژنرال

بازشناسی نقش ارتشبد طوفانیان در حاکمیت پهلوی دوم

صفاءالدین تبرائیان

ایران در نیمه نخست دهه ۱۳۵۰ به مثابه کانون سیاسی، اقتصادی و نظامی غرب، به ویژه آمریکا در منطقه خاورمیانه به شمار می‌آمد. وجود ذخایر معتابیهی از انرژی نفت و گاز و موقعیت خاص ژئوپلیتیکی ایران، برخورداری از مرز طولانی با شوروی، قرار گرفتن بر سر راه سه قاره و سیطره بر خلیج فارس و تنگه هرمز، موجب شد تا آمریکاها با مسلح ساختن روزافزون شاه، وی را به ژاندارمری در منطقه به منظور پاسداشت منافع خود، مبدل سازند. با نینگاهی به پیشینه سه نفر از آخرین سفیران آمریکا در تهران، بیشتر پی به اهمیت این گستره، در منظر بلندپایگان آمریکایی می‌بریم. جوزف فارلند، عضو بلندپایه پلیس فدرال (F.B.I)؛ ریچارد هلمز، رییس سازمان اطلاعات آمریکا (C.I.A)؛ و ویلیام سولیوان، سفیر آمریکا در لائوس و مسئول تشکیل ارتش مزدوران سیا برای سرکوب جنبشهای مردمی بود.

محمدرضا پهلوی به منظور سپاسگزاری از این همه حمایت اجنبی، رویکرد جنون‌آمیزی را با بهره جستن از عناصری چون طوفانیان برای خرید اسلحه آغاز کرد و سیل سلاحهای عمدتاً فرسوده و خارج از رده رقابت با نرخهای گزاف و سرسام‌آور، و نیز مستشارانی که ظاهراً منظورشان به اصطلاح «توجیه آموزشی» بود، به ایران سرازیر شد.

پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) که پس از ظهور دین مبین اسلام بزرگترین واقعه در ایران زمین به شمار می‌آید، به سان پیدایی معجزه‌ای است که به این وابستگی خاتمه داد و «استقلال» را موجب شد.

آنچه در این نوشتار آمده است، پژوهشی است درباره حسن طوفانیان، یکی از عناصر ذی‌نفوذ دوره زمامداری پهلوی دوم، که امید است مورد بهره‌وری محققان و علاقه‌مندان حوزه تاریخ معاصر ایران قرار گیرد.

خدمت نظامی در بیست و یک سالگی

حسن طوفانیان به سال ۱۲۹۱ش در تهران متولد شد. نام پدرش مهدی و مادرش آمنه بود. تحصیلات خود را در تهران گذراند. در پی آن به سال ۱۳۱۲ به خدمت ارتش درآمد و دوره‌های مختلف آموزش نظامی را پشت سر نهاد. وی ۱۰ روز پیش از واقعه نقض بیطرفی و اشغال ایران در سوم شهریور ۲۰، یعنی در آدینه ۱۳۲۰/۵/۲۴ با فاطمه شکوه‌الملوک زرهی ازدواج کرد. فاطمه زرهی در ۱۳۰۳ از پدری به نام داود و مادری به اسم اشرف‌السادات در تهران زاده شد و تحصیلات خود را در دبستان ناموس گذراند. با همه تلاشی که شد، از چگونگی گذراندن دوره تحصیلی طوفانیان، پیش از ورودش به ارتش آگاهی دقیقی به دست نیامد. در دوران جنگ جهانی دوم و زمان اشغال ایران توسط متفقین، در نیروی هوایی ایران با درجه سرگردی خدمت می‌کرده است. در صورت گزارشهای روز ۱۳ مهر ۱۳۲۵، در چکیده گزارش ستاد ارتش چنین آمده است: بیسیم مورد احتیاج لشکر در این دو روزه به اهواز حمل می‌شود که فوری اقدام در برقراری ارتباط نمود. سرگرد طوفانیان با کلیه کسورات لازمه برای ترمیم و حاضر کردن طیارات صبح ۱۴ حرکت نمود. امروز دستور تهیه زاویه و ارسال آن داده شد و بارفع این نواقص فوری اقدام سریع برای بهبود وضعیت پادگانهای خود بنمائید.^۱

روند ارتقاء رتبه نظامی طوفانیان در نیروی هوایی را به استناد مأخذ نوشتاری موجود دنبال می‌کنیم. چنین می‌نماید که وی در پایان دهه ۲۰ و اوایل دهه ۳۰ از عنوان سرگردی به سرهنگی ترفیع درجه پیدا کرده باشد. آن سان که سپهبد فریدون سنجر در «خطراتی مجمل از پاره‌ای ناهنجاریهای تلخ در گذشته نیروی هوایی» نقل می‌کند:

طوفانیان در مرداد ۱۳۳۲ سرهنگ بود و فرمانده آموزشگاه خلبانی بود.^۲

آموزش رزمی در ایالات متحده

از یک کارت شناسایی در میان مجموعه اسناد و مدارک حسن طوفانیان چنین برمی‌آید که وی به سال ۱۳۳۱ نیز سرهنگ بوده است.^۳

خوشبختانه با کاوش در پرونده‌های بازمانده از طوفانیان، گواهینامه فارغ‌التحصیلی وی از این دوره یافت شد. متن کامل برگردان از انگلیسی به فارسی آن به شرح زیر است:

۱. راز پایدگی. دفتر یکم، زیر نظر هوشنگ انصاری، مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی، شماره ۵ ص ۵۲۸.
۲. فریدون سنجر. حاصل چهل سال خدمت ۵۵-۱۳۱۶ش. تهران، انتشارات پروین، ۱۳۷۰. ص ۱۵۰.
۳. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، پرونده اسناد مرحله ۳ حسن طوفانیان، بدون شماره.

دانشگاه علوم هوایی
دانشکده فرماندهی و ستاد هوایی
نیروی هوایی ایالات متحده

بدین وسیله گواهی می‌شود سرهنگ حسن طوفانیان از نیروی هوایی شاهنشاهی ایران، فارغ‌التحصیل رشته افسری رزمی است.

در تأیید این مورد و با مجوز قانونی خود، گواهی دیپلم به نامبرده اعطا می‌شود.
مکان دریافت: پایگاه نیروی هوایی ماکسول، آلاباما، ۱۲ دسامبر ۱۹۵۲.

آی. ایچ. ادواردز ارشد: رابرت سی. هود

فرمانده کل دانشگاه نیروی هوایی فرمانده

دال اسمیت جان ایچ بوکتر

مسئول امور آموزش^۴ مسئول دبیرخانه دانشگاه نیروی هوایی

از زمان حضور طوفانیان در ایالات متحده آمریکا و طی یک دوره افسری رزمی در دانشکده فرماندهی و ستاد نیروی هوایی آن کشور در پایگاه ماکسول ایالت آلاباما، شاهد پدیداری یک تحول شگرف در زندگی وی هستیم. گذراندن این دوره به مثابه نقطه عطفی در حیات نظامی و سیاسی طوفانیان است. چنین می‌نماید که دوره مذکور به سان سکوی پرتاب او به مسئولیتهای بالاتر و مهمتر بوده باشد. جو حاکم در آن موقعیت به گونه‌ای بود که اگر فردی نام آمریکا را بر زبان جاری می‌ساخت متبرک می‌شد تا چه رسد به فراگیری اصول نظامی آن هم از نظامیان آمریکایی و تسلط به زبان انگلیسی و برقراری «رابطه نزدیک» و دوستانه با آنان که موجبات عزیزکردگی و تقرب به درگاه پهلوی می‌شد.

عضویت در کمیته نظامی پیمان بغداد

در اواخر ۱۳۳۳ دو کشور انگلیس و آمریکا به منظور ایجاد یک کمر بند و خط دفاعی در برابر اتحاد جماهیر شوروی که در واقع بخشی از سیاست محاصره و قرنطینه شوروی بود، اقدام به انعقاد پیمان بغداد^۵ کردند. البته برآمدن جمال عبدالناصر در مصر و

۴. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، پرونده حسن طوفانیان، سند شماره ۹۷۴. شایسته است از آقای حسینعلی نودری و خانم معصومه جمشیدی برای ترجمه اسناد از زبان انگلیسی این نوشتار سپاسگزاری نمایم.

۵. «در فوریه ۱۹۵۵ عراق و ترکیه در بغداد پیمانی امنیتی و دفاعی امضا کردند که چند ماه بعد ایران، پاکستان و بریتانیا هم بدان پیوستند. در متن پیمان پیش‌بینی شده بود که هر دولت عضو جامعه عرب یا



حسن طوفانیان هنگام اهدای یادبودی به ضیاءالحق،
رئیس جمهور پاکستان | ۲۸۵۴-۱-۱-پ

موضعگیریهای سیاسی وی در پیدایی این حایل امنیتی نقش عمده‌ای را ایفا کرد. در ۵ اسفند ۲۴/۱۳۳۳ فوریه ۱۹۵۵م عهدنامه الحاق ایران به پیمان همکاری متقابل عراق و ترکیه در بغداد امضا شد.^۶ در نخستین نشست شورای وزیران عضو در بغداد، مقرر شد دو کمیته نظامی و اقتصادی به منظور بررسی راهبردهای دفاعی و اقتصادی منطقه برپا شود. شوروی از بدو انعقاد پیمان بغداد آن را مردود دانست و طی یادداشتی سیاست

→ هر دولتی که خواهان حفظ صلح و امنیت در خاورمیانه است، و هر دو کشور عراق و ترکیه آن را به رسمیت شناخته‌اند، می‌تواند به پیمان ملحق شود... در نوامبر ۱۹۵۵ نخستین شورای وزیران عضو در بغداد تشکیل شد... نماینده آمریکا در ۱۹۵۷ در کمیته‌های اقتصادی و نظامی پیمان بغداد شرکت کرد، گرچه این کشور هیچ وقت رسماً عضو پیمان نشد. در پی کودتای ژوئیه ۱۹۵۸ توسط عبدالکریم قاسم و سقوط نظام پادشاهی، عراق از پیمان بغداد کناره گرفت (مارس ۱۹۵۹). در ۲۱ اوت ۱۹۵۹ پیمان به ستو تغییر نام داد و مقر آن از بغداد به آنکارا منتقل شد. «فرهنگ تاریخ، ترجمه احمد تدین و شهین احمدی، تهران، مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۹۴-۲۹۵.

۶. گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی، نشریه کتابخانه پهلوی، ج ۱، ص ۸۳.

ایران مبنی بر الحاق به پیمان بغداد را مورد نکوهش قرار داد. در ۹ فروردین ۱۳۳۵ دبیرخانه پیمان بغداد در وزارت امور خارجه ایران تشکیل شد و رسماً شروع به کار کرد. همچنین دولت ایران در ۱۴ فروردین همان سال در پاسخ به آخرین یادداشت اعتراض دولت شوروی اعلام کرد:

الحاق ایران به پیمان دفاعی بغداد که علیه هیچ کشور و مخالف هیچ قراردادی نیست و فقط به منظور دفاع از هرگونه تجاوز است، حقی است طبیعی و منطبق با اصول منشور سازمان ملل متحد.^۷

دومین شورای پیمان بغداد در ۲۷ فروردین ۱۳۳۵ با شرکت نمایندگان کشورهای ترکیه، عراق، پاکستان و ایران در تهران منعقد شد. حضور رسمی نمایندگانی از انگلستان و امریکا در جلسات شورا و شرکت در برنامه کار شورا که رسیدگی به گزارش کمیته‌های مختلف «نظامی، اقتصادی، ارتباطات، ضدتخریب» اعلام شده بود حاکی از ماهیت این تجمع است.

نمایندگان نظامی ایران در کمیته نظامی پیمان عبارت بودند از: سرلشکر عبدالحسین حجازی، سرلشکر علی اشرف مطهری، سرهنگ منصور افخمی، سرهنگ نصرت‌الله اربابی، سرهنگ علی زند، سرهنگ حسن طوفانیان و سرهنگ فریدون جم.^۸ اجلاس بعدی شورای وزیران پیمان بغداد در سال ۱۳۳۶ در کراچی تشکیل شد. ترکیب هیئت نظامی ایران به منظور حضور در کمیته نظامی شورا از این قرار بود: سپهبد عبدالله هدایت، سرتیپ علی زند، سرهنگ هوایی حسن طوفانیان، سرهنگ ستاد نصرت‌الله اربابی، سرهنگ ستاد منصور افخم ابراهیمی، ناخدایکم صدرالدین شیبانی.^۹ حضور حسن طوفانیان به عنوان نفر ثابت در کمیته نظامی پیمان بغداد - که بعدها به ستو تغییر نام یافت - جایزه‌میت است و نشان‌دهنده اعتماد محمدرضا پهلوی به او می‌باشد. وی تقریباً از بدو تکوین این پیمان تا انتهای حیات سیاسی - نظامی آن یک پای ثابت کمیته نظامی بود. به زعم نگارنده، گذراندن دوره افسری رزمی در ایالات متحده امریکا توسط طوفانیان، انتخاب او جهت عضویت در کمیته نظامی پیمان بغداد و رضایت از عملکرد مشارالیه در شورا موجب ارتقاء درجه وی در بازگشت از سومین نشست اجلاس پیمان بغداد در پاکستان شده است؛ چرا که در همان سال - ۱۳۳۶ - «نظر به درخواست دکتر فتح‌الله جلالی، وزیر کشور و اظهار دکتر منوچهر اقبال، نخست وزیر، تیمسار سرتیپ حسن طوفانیان به سمت عضویت کمیسیون دائمی سازمان دفاع

۷. همان، ج ۲، ص ۹۷۲. ۸. نشریه وزارت امور خارجه. دوره دوم، تیر ۱۳۳۵، ص ۷۸.

۹. همان. دوره دوم، تیر ۱۳۳۶، ص ۱۱۲.

غیرنظامی کشور منصوب شد.^{۱۰} این «فرمان» محمدرضا شاه در ۱۳۳۶ صادر شد.^{۱۱} عضویت طوفانیان در کمیته نظامی پیمان ستو همچنان تداوم یافت به گونه‌ای که وی در دوازدهمین دوره اجلاس کمیته نظامی سازمان پیمان مرکزی که در روزهای ۱۵ و ۱۶ آبان ماه ۱۳۴۱ در کراچی منعقد شد با رتبه سرلشگری شرکت داشته است. «هیئت نظامی ایران به ریاست تیمسار ارتشبد [عبدالحسین] حجازی، رئیس ستاد بزرگ ارتستاران و عضویت تیمسار سپهدانادرا [باتمانقلیچ، تیمسار سرلشکر افخمی، تیمسار سرلشکر [حسن] طوفانیان، سرکار سرهنگ [هوشنگ] حاتم، سرکار سرهنگ [هوشنگ] نجیمی و سرکار سرهنگ کیا در جلسات کمیته شرکت نمودند.»^{۱۲} ولی از تاریخ ارتقاء درجه نظامی طوفانیان به سرلشگری اطلاع دقیقی در دسترس نیست. اما از ابتدای همین دهه، او به جرگه آجودانهای محمدرضا پهلوی می‌پیوندد و در سفرهای داخلی و خارجی شاه را همراهی می‌کند.^{۱۳}

سال ۱۳۴۴ و موفقیت‌های مالی طوفانیان

به استناد یادداشتهای خصوصی طوفانیان، وی انتظار داشته است در سال ۱۳۴۴ به درجه «سپهدی» نایل آید که البته چنین نشد. اما از جهاتی این سال، نقطه عطفی در زندگی طوفانیان به شمار می‌آید. چنین می‌نماید که وی از همین دوره به مثابه محرم اسرار نظامی شاه «انجام وظیفه» می‌کرده است. او از شنبه ۲۷ تا دوشنبه ۲۹ شهریور ماه، یعنی ظرف مدت سه روز، چهار مرتبه با شاه ملاقات می‌کند که این امر حکایت از اهمیت ملاقاتهای وی دارد و نیز جایگاهی که ژنرال در حاکمیت پهلوی به دست آورده است. و بی‌جهت نیست که وی پس از این ملاقاتها و خوش‌خدمتی‌هایی که انجام داده بود تصور می‌کرده است در مهرماه سپهد شود. نقل بخشی از یادداشتهای موجز طوفانیان در گذر ایام سال ۱۳۴۴ به منظور آشنایی با شأن و موقعیت ویژه وی در آن دوره جالب توجه و سودمند است:

[شنبه ۲۷ شهریور] «شرفیاب شدم. [یکشنبه ۲۹ شهریور] شرفیاب شدم. [دوشنبه ۲۹ شهریور] ساعت ۸ $\frac{1}{4}$ شرفیاب شدم؛ [همان روز] ساعت ۱۴ شرفیاب شدم. [سه‌شنبه ۱۳ مهر] امروز صبح شرفیاب شدم؛ ظهر با نخست‌وزیر؛ بعدازظهر با سفیر پاکستان؛ قبل از آن [با نخست‌وزیر اسرائیل. [چهارشنبه ۱ دی] شرفیاب شدم، مذاکرات با سفیر فرانسه و نماینده وزارت دفاع را تقدیم کردم.

۱۰. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، پرونده اسناد مرحله ۲ حسن طوفانیان، بدون شماره.

۱۱. سالنامه وزارت امور خارجه، ص ۱۳۴۱، ص ۱۱۳. ۱۲. همان مأخذ، ص ۳۶.

مجلسه این سال گذشته است که در آنجا در خصوص ترفیع درجه و سایر امور
 به بحث پرداخته شد و در آنجا ترفیع درجه به سید محمد علی
 بهبهانی و در آنجا ترفیع درجه به سید محمد علی
 آنتخاب شوم شد ولی از نظر سید محمد علی ترفیع درجه به سید
 در فروردین ماه در آنجا ترفیع درجه به سید محمد علی
 رکاب بهبهانی در آنجا ترفیع درجه به سید محمد علی
 بهبهانی در آنجا ترفیع درجه به سید محمد علی
 در آنجا ترفیع درجه به سید محمد علی
 خان بهبهانی در آنجا ترفیع درجه به سید محمد علی
 مسافرت کردیم در آنجا ترفیع درجه به سید محمد علی
 این کار در این سال به سرانجام رسید و در آنجا
 ترفیع درجه به سید محمد علی بهبهانی در آنجا
 بهبهانی در آنجا ترفیع درجه به سید محمد علی
 در آنجا ترفیع درجه به سید محمد علی
 در آنجا ترفیع درجه به سید محمد علی
 ترفیع درجه به سید محمد علی بهبهانی در آنجا
 و در آنجا ترفیع درجه به سید محمد علی

دستخط طوفانیان در برگ روز چهارشنبه ۱۳۴۴/۱۲/۱۸ سالنامه شرکت ملی نفت ایران

یادداشت پایان سال | «به فضل خداوند مبلغ یازده هزار و چهارصد تومان بدهی بانک سپه را تنمه ۴۰ هزار تومان اعتبار وام را پرداختم و حساب پاک شد و مصطفی می تواند زمینهایش را آزاد کند. مبلغ ۲۴۰۰ تومان نیز تنمه بدهی ۲۸ هزار تومان بانک رهنی را دادم و دیگر به هیچ یک از بانکها بدهی ندارم. منزل مسکونی آزاد خواهد شد.»^{۱۳}

طوفانیان در جمعبندی پایان این سال ثمره تکاپوی سالانه خود را این سان آشکار بیان می کنند:

خلاصه، این سال که گذشت بسیار خوب و از نظر مادی با موفقیت بود، گرچه فکر ترفیع درجه می کردم که در مهر سپهبد بشوم ولی نشد. تصور می شد که نماینده ایران در آنکارا انتخاب شوم، نشد؛ ولی از نظر پیشامدهای اتفاقی بسیار خوب بود. در فروردین به مسافرت کمیته نظامی لندن؛ در خرداد، در التزام رکاب به شوروی؛ در

۱۳. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، پرونده اسناد مرحله ۳ حسن طوفانیان، دفترچه سالنامه [جیبی] ۱۳۴۴ شرکت ملی نفت ایران.

تیرماه با همه بچه‌ها به شمال؛ ۱۵ شهریور با نخست وزیر به آنکارا؛ ۲۳ شهریور به راولپندی و دنباله آن در ششم مهر به اروپا؛ مجدداً در ۲۶ آبان به اروپا؛ و در ۵ اسفند به اتفاق خانم به دعوت دولت پاکستان به کراچی، راولپندی، لاهور، پشاور، داکا مسافرت کردیم.

در اواخر دی ماه این سال قرض بانک سپه که به وسیله امیر کرده بودم تمام شد. پس از پرداخت دو قسط از قرض ده هزار تومان از بابت حقوق بقیه به عنوان پاداش گرفته شد. قرض اعتباری بانک سپه و بانک رهنی تمام شد.

برای تمام اطاقها فرش خریدم. در طبقه بالا فرش اطاق هوتن و همایون، مهمانخانه و سرسرا را عوض کرده و کناره جدید خریدم. برای طبقه پائین کناره و فرش برای اطاق بزرگ و حمید و قالیچه خریدم. میز جدید و کمد ظرف خریدم. برای خانم انگشترهای الماس و جواهرات دیگر، ساعت طلا برای خودم و خانم و ساعت‌های دیگر و لباس‌های خوب از اروپا خریدم. بحمدالله^{۱۴} و شکر خدا از نظر مادی و آبرو و حیثیت سال بسیار خوبی بود و ذخیره کافی مادی اندوختم به فضل خدا.^{۱۵}

برکشیده‌ای برای آجودانی شاه

نظر به عدم دسترسی به پرونده ترفیعات نظامی طوفانیان، از تاریخ انتصاب وی به درجه سپهبدی اطلاعی به دست نیامد لیک چنین می‌نماید که در نیمه دهه چهل - شاید ۱۳۴۵ - موفق به کسب این درجه شده باشد و بعدها «تیمسار سپهبد حسن طوفانیان، آجودان لشکری شاهنشاه آریامهر» در سفر مورخ ۱۴ اسفند ۱۳۴۸ به پاکستان همراه محمدرضا پهلوی بوده است.^{۱۶}

ارتقاء طوفانیان به «آجودانی شاه» نشان از اهمیت کارکرد و خدمات وی در دوره پهلوی دوم دارد. از نگاه تحلیلگران امور نظامی افرادی به عنوان آجودان شاه گزینش می‌شدند که مراتب «وفاداری» آنان به اثبات رسیده بود و شاه کاملاً به آنها اعتماد داشت. برای انتخاب آجودان، رتبه نظامی اهمیت چندانی نداشت. یک سروان، همچنان که یک ارتشبد، می‌توانست بدین منظور برگزیده شود. محمدرضا پهلوی دارای یک سرای نظامی بود که ریاست آن را «ژنرال آجودان» برعهده داشت و معمولاً همواره چند نفر به عنوان ژنرال آجودان منصوب می‌شدند و هر شب یک ژنرال آجودان به عنوان کشیک در کاخ شاه اقامت داشت تا در وضع اضطراری به یاری ارباب خود و شخص اول

۱۴. در اصل: اله.

۱۵. همان سند.

۱۶. نشریه اخبار و اسناد، اداره اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه، مهر - اسفند ۱۳۴۸، ص ۱۷۵.



محمدرضا پهلوی هنگام استماع گزارش حسن طوفانیان.
در عکس فریدون جم نیز دیده می‌شود | ۲۸۶۱-۱-پ

مملکت بشتابد. سند زیر نمونه‌ای از فراخوان طوفانیان به عنوان آجودان به کاخ سعدآباد است:

سرای نظامی شاهنشاهی

از: ژنرال آجودانی شماره ۱۴ - ۰۲/۵ - ۴۰۳

به: آجودان مخصوص اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشداران

سپهبد طوفانیان تاریخ ۱۳۵۱/۳/۷

موضوع:

خیلی محرمانه

اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشداران در ساعت ۱۰/۳۰ روز چهارشنبه دهم خردادماه ۱۳۵۱ برای ملاقات با حضرت ریچارد نیکسون رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا به کاخ سفید سعدآباد نزول اجلال می‌فرمایند و

چون آمادگی روز مذکور به عهده شما محول است، لذا مقتضی است یک ساعت قبل از وقت مقرر در کاخ نیاوران حضور به هم رسانید. م

ژنرال آجودان و رئیس سرای نظامی شاهنشاهی. سپید شفت

امهرا خیلی محرمانه

گیرنده

فرماندهی گارد شاهنشاهی جهت آگاهی.^{۱۷}

با رهیافت به سند یاد شده پی می‌بریم که طوفانیان تا نیمه اول سال ۱۳۵۱ با درجه سپهبدی در ارتش شاهنشاهی عهده‌دار وظایفی بوده است اما آنچه مسلم است این که وی در پاییز همین سال به عالی‌ترین رتبه نظامی در ارتش پهلوی که همانا «ارتشبدی» است، دست یافته بود. در ۳ آبان ۱۳۵۱ به پیشنهاد ارتشبد غلامرضا ازهاری، «رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران» و تأیید محمدرضا پهلوی، تیمسار سپهبد حسن طوفانیان به درجه ارتشبدی نایل می‌آید.^{۱۸}

نیمتگاهی به خانواده طوفانیان

همان‌گونه که آمد، حسن طوفانیان در ۲۴ مرداد ۱۳۲۰ با فاطمه شکوه‌الملوک زرهی ازدواج کرد. ثمره زندگی زناشویی این دو تولد شش فرزند بود؛ چهار پسر و دو دختر. نام فرزندان و سال تولدشان از این قرار است: احمد (همایون) ۱۳۲۱/۲/۱۱؛ علی (هوتن) ۱۳۲۲/۷/۲؛ عبدالله (هومن) ۱۳۲۴/۱۲/۱۵؛ حمید ۱۳۲۸؛ گیتی ۱۳۳۱؛ و شهره ۱۳۳۶/۷/۷.

احمد، فرزند ارشد طوفانیان که نام دیگرش همایون بود، در رشته پزشکی تحصیل کرد و دوره ۹ ساله پزشکی را در ۱۳۵۰/۴/۳۱ به پایان برد. وی در ۱۳۵۱/۲/۱۹ با شراره شریف‌رازی، فرزند ناصر شریف‌رازی ازدواج کرد. احمد طوفانیان دوره خدمت سربازی را در مرکز آموزش بهداری ارتش گذراند و در بدو ورود در مورخه ۵۰/۱۰/۱۰ از سوی سرهنگ دکتر شیخ‌الاسلامی، فرمانده مرکز، به دستور شاه به درجه ستوانی دست می‌یابد.^{۱۹}

علی که هوتن صدایش می‌کردند نیز در رشته پزشکی به تحصیل پرداخت، وی روز پنج‌شنبه ۱۳۵۱/۱۱/۱۲ با هاله امیراجمند دختر مرتضی امیراجمند ازدواج کرد.

۱۷. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، پرونده اسناد مرحله ۳ حسن طوفانیان، بدون شماره.

۱۸. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، پرونده اسناد مرحله ۳ حسن طوفانیان، بدون شماره.

۱۹. نشریه اخبار و اسناد، اداره اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه، مهر - اسفند ۱۳۵۳، ص ۸۰.

عبدالله، دیگر فرزند طوفانیان، در رشته اقتصاد از دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه ملی ایران فارغ‌التحصیل شد. حمید طوفانیان نیز مدرک فوق‌لیسانس خود را در رشته مهندسی معماری دانشکده هنرهای زیبا وابسته به دانشگاه تهران در تاریخ ۱۳۵۳/۱/۲۱ دریافت کرد.

گیتی و شهره، دو دختر طوفانیان در انگلیس تحصیل می‌کردند. گیتی در انگلیس کمتر رغبتی به تحصیل نشان می‌داد و به دلایلی به ایران بازمی‌گردد. گیتی در رشته اقتصاد از دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه ملی فارغ‌التحصیل شد. رهیافت به یک سند از مجموعه اسناد طوفانیان نشان‌دهنده پیوند وی با فرخ‌رو پارسای^{۲۰}، وزیر آموزش و پرورش در کابینه هویدا، دارد.

در این یادداشت، اقدس نیرومندزاده، مدیر کل دفتر وزارتی، به گونه «خیلی فوری» از سرکار خانم گیتی طوفانیان می‌خواهد که روز پنج‌شنبه ۲۱ دی ماه [۹] ساعت ۱۷ برای ملاقات با دکتر فرخ‌رو پارسای در هتل مرمر حضور یابد. همچنین بدین منظور وسیله نقلیه مقابل باشگاه دانشگاه ملی جهت انتقال وی به محل ملاقات مهیا می‌گردد.^{۲۱} توجه به روز، ساعت و محل ملاقات و تدارک وسیله نقلیه از سوی یک وزیر برای یک دختر ۲۱ ساله دانشجو، جالب می‌نماید.^{۲۲} گیتی بعدها به عنوان منشی به دربار شاهنشاهی راه می‌یابد و اندکی بعد به عنوان رئیس دفتر معاون دربار در امور خارجی معرفی می‌گردد.

از میان اسناد و مدارک بازیافته طوفانیان در مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، دقت‌نظر در یک سند بیش از همه دل‌آدمی را می‌خراشد و موجب جریحه‌دار شدن غرور ملی می‌گردد. این سند پاسخی است به درخواست دکتر علی طوفانیان، مبنی بر تقاضای عضویت در ارتش ایالات متحده، که از سوی دایره بهداشتی ارتش امریکا، ارسال شده است. علی طوفانیان که نام دیگر وی هوتن است، دومین فرزند حسن طوفانیان است که در رشته پزشکی تحصیل کرد. تاریخ نامه‌ای که در پی می‌آید ۱۳۵۰/۹/۱۵ می‌باشد. در این مقطع علی طوفانیان ۲۸ ساله بوده است. به واقع چه عواملی موجب می‌شود فرزند یک سپهبد که آجدان مخصوص شاهنشاه نیز بوده

۲۰. دکتر فرخ‌رو پارسای از ۶ شهریور ۱۳۴۷ به جای هادی هدایتی به عنوان وزیر آموزش و پرورش منصوب شد و تا ۷ اردیبهشت ۱۳۵۳ در این سمت پایدار ماند.

۲۱. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، پرونده اسناد مرحله ۳ حسن طوفانیان، بدون شماره.

۲۲. در این نامه صرف‌نظر از روز و ماه و سال آن که نامشخص است، با توجه به حضور فرخ‌رو پارسای در وزارت آموزش و پرورش، اگر مدت حضور وی یعنی دی ماه «۱۳۵۲» را در نظر بگیریم، گیتی طوفانیان، ۲۱ ساله بوده است.

است و موقعیت اجتماعی، سیاسی، نظامی و مالی بسیار خوبی نیز داشته تقاضای عضویت در ارتش ایالات متحده را بکنند؟! متن سند را مطالعه فرمایید:

۶ نوامبر ۱۹۷۲ وزارت دفاع نشان عقاب
 در پاسخ به: دایرة بهداری ارتش وزارت دفاع ایالات
 قابل توجه: واشنگتن دی. سی. شماره ۲۰۳۱۴ متحده امریکا
 [مخاطب: دکتر علی طوفانیان
 ایران، تهران، شمیران، خیابان پهلوی، شماره ۲۰۰
 دکتر طوفانیان عزیز

عطف به پرسش جنابعالی درخصوص خدمت در ارتش ایالات متحده، به آگاهی می‌رساند که ارسال اطلاعات مربوط به نحوه استخدام به یک کشور بیگانه بجز از طریق مقامات دیپلماتیک امریکا، بدون رضایت کشور بیگانه مربوط، صرف‌نظر از وسیله ارتباطی مورد استفاده ممنوع است. به هر حال محض اطلاع جنابعالی در این خصوص عرض می‌شود که نام‌نویسی در ارتش ایالات متحده صرفاً منحصر به شهروندان ایالات متحده و آن گروه غیرشهروندانی است که از حق اجازه اقامت دائم در این کشور بهره‌مندند. چنانچه جنابعالی از شهروندان ایالات متحده باشید یا در زمره غیرشهروندان دارای حق اقامت دائمی، و بتوانید نشانی از خود در ایالات متحده در اختیارمان قرار دهید خوشحال خواهیم شد که در آینده ارتباط بیشتری در این زمینه با جنابعالی داشته باشیم.

نظر به سیاست یاد شده، مایه تأسف اینجانب است که نمی‌توانم آگاهیهای بیشتری در مورد خدمت در ارتش ایالات متحده در اختیار شما قرار دهم.
 ارادتمند

سرهنگ دکتر دیل آر. استایدر
 رئیس دایرة تدارکات و پشتیبانی
 امور پرسنلی و آموزشی^{۲۳}

چه سان می‌توان باور داشت فرزند یک ژنرال مقرب دربار با موقعیت برتر اجتماعی این‌گونه به دريوزگی بیفتد و عاجزانه تقاضا کند به عضویت ارتش یک دولت خارجی درآید آن هم با موقعیتی که طوفانیان داشت. ژنرال هایزر در زمان اقامت در ایران در توصیف خانه این خانواده می‌نویسد:

۲۳. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، پرونده حسن طوفانیان، سند شماره ۹۷۵.



DEPARTMENT OF THE ARMY
OFFICE OF THE SURGEON GENERAL
WASHINGTON, D.C. 20314

ARMY TO
ATTENTION OF
DASO-PTP-D

6 NOV 1972

Ali Toofanian, M.D.
200 Pahlavi Street
Shemiran, Tehran
Iran

Dear Doctor Toofanian:

Reference is made to your recent inquiry relative to service in the United States Army.

The sending of recruitment information into a foreign country to other than American diplomatic officials without the consent of the foreign nation involved is prohibited, regardless of the channel of communication used. However, for your guidance in this matter, enlistments in the United States Army are restricted to United States citizens and those noncitizens who have been admitted to the United States for permanent residence. If you are a U.S. citizen or a noncitizen in possession of a permanent visa and can furnish an address within the United States we will be glad to communicate with you further on this matter.

In view of the above policy, I regret that I can give you no further information regarding service in the United States Army.

Sincerely yours,

DALE R. SNYDER, M.D.
Colonel, MC
Chief, Officer Procurement Division
Personnel and Training

سند شماره | ۹۷۵ |

خانه‌ای مجلل و بزرگ با اثاثیه‌ای زیبا بود. قالیه‌های ایرانی همه جا دیده می‌شدند... اتاق پذیرایی اش افسانه‌ای بود. سطح آن ۵۰×۵۰ فوت و ارتفاع آن ۲۵ فوت بود. از شکوه و دلفریبی آن هر چه بگویم کم گفته‌ام. بسیاری از چیزهایی که در آن اتاق برای تزیین گذاشته شده بود بی‌تردید هدایای مختلفی از سراسر جهان بود. او شکارچی قهاری بود و به تفنگهای زیبا علاقه داشت. مجموعه تفنگهای او یکی از بهترین و زیباترین کلکسیونهای تفنگی بود که من تا آن روز دیده بودم. روی قنداق هر یک از تفنگها تصاویر کنده‌کاری شده نقره‌ای و طلایی از سگ، مرغابی، اردک، قرقاول و کبوتر دیده می‌شد. ۲۴

هنگامی که فردی چون هایزر، که در درازای عمر خود خانه‌های مجلل فراوانی را

۲۴. مأموریت منحصی هایزر در تهران: خاطرات ژنرال هایزر. ترجمه سید محمدحسین عادل، تهران، انتشارات رسا، چ دوم ۱۳۶۶، ص ۱۰۰.

دیده است، از مشاهده چنین خانه‌ای این گونه تعریف و تمجید می‌نماید، می‌توان درک کرد که اعضای این خانواده در چه موقعیت طبقاتی قرار داشته و از چه رفاه مادی‌ای بهره‌مند بوده‌اند.

محرم اسرار نظامی محمدرضا پهلوی یا امریکا؟

بازشناسی جایگاه مهم حسن طوفانیان به عنوان یکی از نقش‌آفرینان حاکمیت پهلوی دوم بسی مهم می‌نماید. تحلیلگران امریکایی مسائل ایران در کتاب سری تشریح وضع کلی ایران، در بخش نیروهای مسلح، وی را در زمره ۱۵ نفری که در تصمیم‌گیریهای مملکتی طرف مشورت محمدرضا پهلوی واقع می‌شدند، قرار داده‌اند. در این گزارش پس از ذکر نام افرادی چون: اسدالله علم، نعمت‌الله نصیری، غلامعلی اویسی، و امیرعباس هویدا، به عنوان نفر پنجم نام حسن طوفانیان آمده است و درباره او چنین نوشته شده است: در فراهم آوردن تجهیزات نظامی نقش مهمی دارد. شاه به گزارشهای او در مورد ارتش اطمینان دارد. او اطلاعات را در این زمینه یا خودش می‌دهد یا با کمک منابع امریکایی این کار را می‌کند. او اغلب از امریکا دیدن می‌کند. سه بچه او در دانشگاه آموزش پزشکی امریکا تحصیل می‌کنند.^{۲۵} طوفانیان از تکنولوژی ارتش امریکا ستایش می‌کند.^{۲۶}

پس از طوفانیان، نام افرادی چون: حسین فردوست، غلامرضا ازهاری، نصرت‌الله معینیان، جمشید آموزگار، هوشنگ انصاری، منوچهر اقبال، جعفر شریف‌امامی، فرح پهلوی، اشرف پهلوی و اردشیر زاهدی مشاهده می‌شود. طوفانیان در ارتشی که وابسته به یک فرد - شاه - بود نیز از شأن ممتازی برخوردار بود. در یک گزارش توجیهی خیلی محرمانه که از سوی کارشناسان سیاسی و اطلاعاتی برای نیروهای جدیدی که از امریکا به ایران می‌آمدند «تا حوزه دید و بینش» آنان نسبت به اوضاع ایران روشن شود، طوفانیان به مثابه یکی از پنج نظامی قدرتمند ایران معرفی شده است. در این گزارش آمده است:

سازمان دفاعی: تجزیه و تحلیل دستگاه تصمیم‌گیری نظامی ایران نشان می‌دهد که شاه فعلاً به عنوان فرمانده کل قوا عمل می‌کند و قدرت بی‌چون و چرای خویش را اعمال می‌نماید. در رده‌های بعدی پنج نقطه قدرت نظامی اصلی وجود دارد. یکی

۲۵. منظور احمد (همایون) و علی (هوتن) است. از سومین فرزند طوفانیان که در رشته پزشکی تحصیل می‌کرد اطلاعی به دست نیامد.

۲۶. اسناد لانه جاسوسی. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ج ۷، ص ۷۲ - ۷۱.

از آنها ارتشید ازهاری، رئیس ستاد عالی فرماندهی است که با ستاد مشترک و ساختار نظامی خودمان تا حدودی مشابهت دارد. با این حال ستاد عالی فرماندهی تفاوت‌هایی نیز دارد، یعنی فقط مسئول ایجاد هماهنگی است و هیچ نیرویی را تحت کنترل ندارد و فاقد قدرت صدور فرمان است. فرماندهان نیروهای سه‌گانه: ارتشید خاتمی (نیروی هوایی)، ارتشید اویسی (نیروی زمینی) و دریادار عطایی (نیروی دریایی) دیگر نقاط قدرتی هستند که مستقیماً با اعلیحضرت مرتبط می‌باشند. فرد قدرتمند پنجم معاون وزیر جنگ، طوفانیان، ارتشید نیروی هوایی است که مسئول خرید تمام تجهیزات نظامی خارجی و تولیدات داخلی است. او نیز باید گزارش کار خود را مستقیماً به شاه بدهد.^{۲۷}

اما به راستی چه عواملی، ارتقاء طوفانیان به این مراحل را موجب شد؟ به منظور پاسخگویی به این پرسش که آسان نیز می‌نماید، خاطرات ارتشید حسین فردوست را مورد کاوش قرار می‌دهیم. به گفته وی:

نام ارتشید حسن طوفانیان به علت نقش او در معاملات اسلحه ایران شهرت جهانی یافته بود. او بیش از ۱۰ سال مأمور منحصر به فرد خرید سلاح از کشورهای مختلف جهان بود... نمی‌دانم که طوفانیان چگونه توسط محمدرضا انتخاب شد، ولی حدس می‌زنم که به علت طی دوره نظامی در آمریکا و آشنایی زیاد با مستشاران نظامی آمریکایی در ایران، از طریق آنها به محمدرضا معرفی شد و از آن پس خریدهای گزاف اسلحه ایران را ترتیب می‌داد.^{۲۸}

طوفانیان در این زمینه اظهار می‌دارد:

من به فرمان مطاع شاهانه از سال ۱۹۶۳ برابر با ۱۳۴۲ که وضع اقتصادی رو به بهبود گذاشت، مسئول خرید اقلام دفاعی مملکت شده‌ام و این مأموریت را تا به امروز انجام داده‌ام.^{۲۹}

برجسته‌ترین ویژگی طوفانیان حسن اعتماد محمدرضا پهلوی به وی بود به گونه‌ای که همه او را محرم اسرار نظامی شاه می‌پنداشتند. طوفانیان چنان که فردوست بازگو می‌کند

۲۷. اسناد لانه جاسوسی. ج ۶۰، ص ۱۵۴.

۲۸. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی. خاطرات ارتشید سابق حسین فردوست. تهران، انتشارات اطلاعات، س ۱۳۷۰. چاپ سوم، ج ۱، صص ۲۱۸-۲۱۹.

۲۹. اطلاعات (روزنامه). مصاحبه مطبوعاتی حسن طوفانیان در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۵۴.

بیش از یک دهه مأمور منحصر به فرد خریدهای تسلیحاتی بود. به نوشته جیمز ا. بیل:
 ارتشبد حسن طوفانیان بین سالهای ۱۹۶۴ و ۱۹۷۸ (۱۳۴۳ و ۱۳۵۷) در تمام
 فروشهای اسلحه آمریکا به ایران عمیقاً درگیر بود. وی، به اقتضای موقعیت خود، نه
 تنها با مقامات رهبری در ارتش آمریکا تماس دائم داشت بلکه با بالاترین مقامات
 اجرایی معاملات دفاعی و اسلحه نظیر تام جونز، نورتروپ و ج. ویلیام میلر از
 تکسترون در تماس بود.^{۳۰}

خریدهای نظامی در دورانی که وی مسئولیت آن را برعهده داشت به اوج خود
 رسید.

در یک فاصله زمانی ۲۰ ساله (از ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۱) کل خرید تسلیحاتی ایران از
 آمریکا به یک میلیارد دلار هم نرسید. ولی بین ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۸ یعنی فقط در عرض
 ۸ سال آخر سلطنت شاه میزان خرید سلاح از آمریکا آنقدر سریع افزایش یافت که به
 رقم نجومی ۱۹ میلیارد دلار بالغ شد.^{۳۱}

بخش معتابهی از این سلاحها از آمریکا خریداری می شد و اصولاً کار تجهیز و مسلح
 کردن ارتش شاهنشاهی بر عهده آمریکاییها بود. از ابتدای دهه پنجاه و مشخصاً سال
 ۱۳۵۰، ایران مبدل به بزرگترین خریدار تجهیزات نظامی از آمریکا شد. روند
 تصمیم گیری درباره خرید اسلحه نیز چندان دشوار و پیچیده نبود. در گزارش کمیته
 روابط خارجی مجلس سنا آمریکا، بخش فروش تسلیحات به ایران آمده است:

فرآیند تصمیم گیری دفاعی در ایران نسبتاً ساده است. شاه در مورد کلیه خریدهای
 عمده تصمیم گیری می کند و معاون وزیر جنگ او، ژنرال نیروی هوایی، حسن
 طوفانیان، این تصمیمات را به اجرا می گذارد.^{۳۲}

بی تردید طوفانیان نه تنها محرم محمدرضا پهلوی بود بلکه مورد وثوق و اعتماد
 آمریکاییها، انگلیسیها، اسرائیلیها و فروشندگان وسایل و جنگ افزارهای نظامی هم بود.

۳۰. جیمز ا. بیل، شیر و عقاب، روابط بدفرجام ایران و آمریکا. ترجمه فروزنده برلیان (جهانشاهی). تهران:
 نشر فاخته، ۱۳۷۱. ص ۴۷۲.

۳۱. فریدون هویدا، سقوط شاه. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۵. ص ۹۸.

32. U.S. Congress, Senate, Committee on Foreign Relations, U.S. Military Sales to Iran, 94th
 Cong, 2d Sess., July 1976, P.7.

به نقل از: ماروین زونیس. شکست شاهانه، روانشناسی شخصیت شاه. ترجمه عباس مخبر. تهران،
 انتشارات طرح نو، ۱۳۷۰. ص ۱۵.

وی در تأمین سلاح کشور، آلت فعلی بیش نبود و نوکر رازدار و فرمانبردار شاه به شمار می‌آمد. چنان که فردوست در این باره می‌گوید:

این تصور که نوع سلاحها و کشور و کمپانی خریدار را طوفانیان تعیین می‌کرد، تصور صحیحی نیست. چه نوع سلاح، به چه تعداد، از کجا، همه و همه توسط محمدرضا دیکته می‌شد و طوفانیان تنها مجری بسیار خوبی بود.^{۳۳}

انتساب خریدهای نظامی در دوران حاکمیت پهلوی به دولت، عاری از حقیقت است. در نظام شاهی، چرخه امور به گونه دیگری است. روش رهبری محمدرضا شاه در دستگاههای اجرایی بر مبنای سوءظن و عدم اعتماد به اطرافیان استوار بود. بی‌تردید این موضوع پیش از هر امری جنبه روانشناختی دارد و دارای دو بعد می‌باشد. بعد اول عدم تکامل شخصیت روانی شاه است و بعد دیگر موضوع انحصارگرایی وی در قدرت است که در پی آن غرور و تکبر و خودمحوری و فردگرایی را برجسته می‌سازد. شاه همواره احساس نوعی کمبود و خلأ در وجود خود می‌کرد و همین کمبود به وی امکان اعمال کامل اقتدار را نمی‌داد، از این روی بر آن بود تا با بهره‌وری از اهرمهای گوناگون، این کاستی را جبران کند و حضور خود را به عنوان رهبری مشروع و مقتدر به اثبات رساند. مسئله بی‌اعتمادی وی که ریشه در عدم تکامل شخصیت روانی‌اش داشت موجب شد تا در عرصه مدیریت و کارگردانی امور اجرایی مملکت همواره دچار تردید و تشویش باشد و برای جبران این کمبود بزرگ به جای توسل به نیروهای کارآمد و متخصص و مدیران لایق و مبرز و برخوردار از اقتدار اجرایی به افراد ضعیف‌النفس، متملق و گوش به فرمان روی آورد که اینها نیز عمدتاً از میان اطرافیان برگزیده می‌شدند و یا آنها که از سوی رجال و مقاماتی در خارج کشور معرفی و پشتیبانی می‌شدند.

درباره خرید جنگ‌افزارهای نظامی، این شاه بود که تصمیم می‌گرفت چه چیز، به چه مقدار، از کجا و چگونه خریده شود. گرچه ارتشبد طوفانیان، مسئول مستقیم خریدهای نظامی برای نیروهای مسلح ایران بود اما «او به ندرت درباره چیزهایی که باید خریده می‌شد تصمیم می‌گرفت، و صرفاً مجری تصمیمات شاه بود.»^{۳۴}

روند خرید جنگ‌افزارهای ارتش شاهنشاهی: از کجا و چگونه؟

در اینجا یک سؤال مطرح می‌شود و آن این که محمدرضا پهلوی چه شناختی از سلاح و جنگ‌افزار داشت که دستور خرید آن را می‌داد. فردوست در خاطرات خود می‌گوید:

۳۳. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۲۱۹. ۳۴. نکست شاهانه، ص ۴۲۱.

رویه این بود که رئیس ستاد ارتش از طریق متخصصین ستاد، فرماندهان سه نیرو (زمینی، هوایی، دریایی) و به خصوص فرمانده نیروی هوایی در دوران فرماندهی ارتشبد خاتمی، فرمانده ژاندارمری و رئیس شهربانی از روی کاتالوگها، و در مورد سلاحهای سبک از روی نمونه‌های ارسالی از شرکت سازنده، و همچنین شخص طوفانیان تقاضای تهیه می‌کردند و تعداد را نیز همین مقامات به محمدرضا پیشنهاد می‌دادند.^{۳۵}

طوفانیان در این باره اظهار می‌دارد:

انتخاب براساس تحقیق روی لوازم مورد نظر، وسایل مورد نظر و جنبه‌های سیاسی و اقتصادی صورت می‌گیرد و تصمیم نهایی و انتخاب هر سیستم با شاهنشاه آریامهر است. شاهنشاه آریامهر در مقام رهبر و فرمانده کل قوا انتخاب نهایی را انجام می‌دهند.^{۳۶}

بدون تردید شاه با نمایندگانی پیوند داشت و از خلال ارتباط با آنان توصیه می‌شد که چه سلاحهایی را خریداری کند. همان‌گونه که در گزارش کمیته روابط خارجی مجلس سنا نیز آورده شد، دولت و دیگر رجال و مقامات ذی‌نفوذ کشوری و لشکری هیچ‌گونه دخالتی در این امور نداشتند. ارتشبد فریدون جم فرزند محمود جم و همسر اول شمس پهلوی که از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۰، رئیس ستاد ارتش بود، در گفت و گوی خود با مجموعه برنامه داستان انقلاب به روایت بی. بی. سی، موضوع را چنین بیان می‌دارد. گوینده رادیو بی. بی. سی اظهار می‌دارد:

خرید ساز و برگ نظامی برای ارتش هم، به گفته ارتشبد جم، فقط به تصمیم خود شاه بود.

جم: اعلیحضرت، شخصاً انتخاب می‌کرد، دستور می‌داد به طوفانیان که طوفانیان برود بخرد. نه وزارت جنگ کنترلی داشت روی این خریده‌ها، نه ستاد بزرگ ارتش داران کنترلی داشت. اعلیحضرت بود و بانک مرکزی و طوفانیان و سفارت امریکا. اصلاً ارتش هم اطلاعی نداشت.^{۳۷}

۳۵. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۲۱۹.

۳۶. اطلاعات (روزنامه)، مورخ ۱۳۵۴/۱۱/۲۵.

۳۷. تحریر تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران (مجموعه برنامه داستان انقلاب از رادیو بی. بی. سی)، به کوشش ع. باقی، قم، انتشارات تفکر، ۱۳۷۳، صص ۲۴۸ - ۲۴۷.

ارتشبد جم بعدها به علت اختلاف با محمدرضا پهلوی از سمت خود استعفا داد و به عنوان سفیر به اسپانیا فرستاده شد.^{۳۸} در سخنان جم، صرف نظر از طوفانیان که وسیله و واسطه تحقق خریدهای تسلیحاتی بود و همچنین بانک مرکزی که سازمان متبوع انتقال دهنده ارز به کمپانیهای بزرگ فروشنده سلاح به شمار می آمد، شاه و سفارت امریکا باقی می ماند. سفارت امریکا نیز به عنوان پیش درآمد طرح پیشنهاد خرید، ضمن برقراری تماس با بخشهای مختلف ارتش پهلوی، اقدام به جمع آوری اطلاعات می کرد. به گزارش محرمانه کارشناسان سیاسی-اطلاعاتی امریکا در روایتگری بخش سیاسی و سیاسی-نظامی سفارت امریکا در تهران در کتاب سری تشریح وضع کلی ایران سالهای ۱۳۳۴ تا ۱۳۵۶/۱۹۵۵ تا ۱۹۷۷، توجه نمائید:

۲. قسمت سیاسی نظامی: این شاخه به وسیله کنسول سیاسی، رابرت مارتین، سرپرستی می شود که در رابطه با بزرگترین برنامه های فروش تسلیحات امریکایی در جهان می باشد. این قسمت با قسمت مستشاری و سه قسمت ارتش و همچنین با تیمسار طوفانیان، معاون وزیر جنگ و دیگر افراد عالی رتبه ارتش روابط و همکاری نزدیک دارد.^{۳۹}

از نخستین سالهای دهه پنجاه، شاهد رفت و آمد روزافزون مقامات عالیرتبه از نیروهای سه گانه ارتش امریکا به ایران هستیم. در چهار ماه آخر سال ۱۳۵۱/۱۹۷۳، تعداد ۲۲ ژنرال آمریکایی به ایران آمدند. در سال ۱۳۵۲/۱۹۷۴، این عده به ۵۳ و در سال ۱۳۵۳/۱۹۷۵، به ۴۳ نفر رسید. نظامیان امریکایی ضمن بررسی برنامه های نظامی ارتش شاه و بازدید از واحدها و یکانهای گوناگون آن، برای فروش سلاح به تمهیدات و توجیهات لازم می پرداختند.^{۴۰}

۳۸. فریدون جم (متولد ۱۲۹۳) در سال ۱۳۵۷ پیشنهاد شاپور بختیار، آخرین نخست وزیر محمدرضا پهلوی، مبنی بر پذیرش وزارت دفاع را رد کرد. در سند شماره ۱۰۰۶۳ مورخ ۲ ژانویه ۱۲/۱۹۷۹ دی ۱۳۵۷ سفارت امریکا در تهران به وزارت امور خارجه امریکا در واشنگتن، زیر عنوان «محمدحسین خان قشقایی راجع به کاندیدایی بختیار و ژنرال فریدون جم اظهار نظر می کند» آمده است: مخالفت جم بابت خرید تجهیزات نظامی جدید قبل از تعلیم کادر ایران برای نگهداری و محافظت از دستگاههای موجود را طوفانیان و دکتر ایادی به شاه گزارش داده بودند.

اسناد لانه جاسوسی، ج ۲۶، ص ۱۲۲.

۳۹. اسناد لانه جاسوسی، ج ۷، ص ۵۶-۵۷.

۴۰. برای آشنایی هرچه بیشتر بانام، درجه، تاریخ ومدت مسافرت این ژنرالها طی سالهای یاد شده بنگرید به: U.S. Military Sales to Iran, op. cit., Appendix A, PP. 55 - 57.

با سپاس از آقای دکتر رضا رئیس طوسی که نگارنده را به این مأخذ رهنمون کرد.

به زعم کارشناسان کمیته روابط خارجی مجلس سنای امریکا، شاه بخشی از آگاهیهای خود را در زمینه تکنولوژی تسلیحات مدرن از طریق مطالعه مجلات تخصصی و از جمله هفته‌نامه هوایمایی Aviation Week دریافت می‌کرد. حتی «گفته می‌شود که او قبل از خواندن مطبوعات ایرانی» این نشریه را مطالعه می‌کند.^{۴۱}

نکته دیگری که در اینجا مطرح می‌شود درخصوص تأمین سلاح از منابع خاص است. پرسش این است که سلاح خوب و کارآ از کجا تأمین می‌شود. به گمان ارتشبد فردوست صورت خرید را امریکاییها و انگلیسیها به محمدرضا «دیکته» می‌کردند و پس از تصویب شاه، طوفانیان عهده‌دار تهیه آن می‌شد. وی در این باره می‌نویسد:

در مورد سلاحهای سنگین یا وسایل جنگی از قبیل انواع هواپیماها، توپها و انواع مهمات مربوطه، ناوهای جنگی، تانکها و زره‌پوشها و امثالهم در مسافرتها محمدرضا به امریکا و اروپای غربی نمونه‌ها و طرز کار آنها به وی نشان داده می‌شد. مثلاً یک هواپیمای شکاری را از نظر فنی و امکانات و طرز کار در عمل به او نشان می‌دادند و او نوع و تعداد را به طوفانیان اطلاع می‌داد و دستور می‌داد که تهیه شود.^{۴۲}

بی‌تردید در خریدهای نظامی رژیم پهلوی، مهم تهیه و تدارک سلاحهای خوب نبود بلکه مهم آن بود که کدام کمپانی تسلیحاتی موفق به برقراری پیوند با رابطان شایسته و مأموران فروش اسلحه در ایران شوند که به مرکز ثقل قدرت، دربار پهلوی و شخص شاه کاملاً نزدیک و مورد اعتماد باشند. راهیابی به چنین کانالی موجبات از میان بردن دغدغه‌ها و تشویشها را فراهم می‌آورد و به مثابه اتومبیلرانی در شاهراه بدون عوارض به شمار می‌آمد. فروشندگان سلاح، رقابت گرم و نزدیکی را جهت معامله با تهران آغاز کرده بودند. در برخی از موارد کارخانجات اسلحه‌سازی امریکایی بدون برقراری هماهنگیهای رسمی با وزارت دفاع آن کشور و تأیید هیئتهای مستشاری امریکا که به ایران گسیل می‌شدند، سرگرم معامله و فروش سلاح به ارتش شاهنشاهی بودند.

کمپانیهای فروشنده هر کدام برای خود واسطه‌های متنغذی در تهران پیدا کرده بودند. هرج و مرج به حدی بود که حتی سپهبد حسن طوفانیان، مسئول سفارشا و خرید سلاح و تجهیزات، نسبت به روش کار معترض بود. صورت‌حسابها با بهای سفارشا تطبیق نمی‌کرد. کمیسیونهای کلانی به واسطه‌ها پرداخت شده بود. بابت سلاحهایی که دولت ایران مستقیماً و بدون واسطه از دولت ایالات متحده خریداری کرده بود

۴۱. شکست شاهانه. ص ۱۵. ۴۲. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی. ج ۱، ص ۲۱۹.

حق کمیسیون محاسبه شده بود! طوفانیان از هوفمن درخواست کرد پنتاگون (وزارت دفاع امریکا) کنترل بیشتری روی عملیات شرکتهای فروش اسلحه و تجهیزات اعمال کند.^{۲۳}

کمپانیها از دادن هرگونه رشوه‌ای به عوامل ویژه که رابطه نزدیک و محرمانه‌ای با دربار و محمدرضا پهلوی داشتند، دریغ نمی‌ورزیدند. در بسیاری از موارد، این رشوه‌ها به قیمت سلاحها افزوده می‌شد. ارتشبد فردوست درباره این رشوه‌ها و حق و حساب دادن آنها می‌گوید:

مسلم است که فروشندگان سلاح به طوفانیان حق و حساب می‌دادند. این یکی از اصول متداول جهانی در معاملات تسلیحاتی است. در معاملات بزرگ تا ۲ درصد و در ارقام کوچک تا ۵ درصد پرداخت می‌شود که فروشندگان بدون سؤال به حساب مسئول خرید می‌ریزند. البته طوفانیان به نحوی عمل نمی‌کرد که محمدرضا حساسیت پیدا کند. او ارقام دقیق پورسانت‌ها را به محمدرضا می‌گفت و او مقداری را به خودش می‌داد و در مورد بقیه مبلغ دستور می‌داد که به کدام اشخاص و به چه مبلغی پرداخت شود.^{۲۴}

با نیم‌نگاهی به خریدهای کلان تسلیحاتی سالانه حاکمیت پهلوی، معلوم می‌شود طی این سالها چه مبالغ هنگفتی به حساب شاه در خارج کشور و همچنین واسطه‌ها و ارباب می‌شد. بدیهی است از منظر اسناد و مدارک موجود و ارتباطات آشکار طوفانیان که در این مبحث به بخشی از آن اشاره شد، وی از جمله افرادی است که یقیناً از حدود ثروت پهلوی دوم آگاهی کامل داشته است.^{۲۵}

هیچ کس جرئت ابراز مخالفت ندارد

در تهیه تجهیزات نظامی هیچ گونه ارزیابی انجام نمی‌گرفت و توجهی به مورد مصرف سلاحها مبذول نمی‌شد. پرویز راجی، آخرین سفیر محمدرضا پهلوی در انگلیس، در خاطرات خود مورخ شنبه ۱۱ تیر ۱۳۵۶ / ژوئیه ۱۹۷۷ درباره حضور

۲۳. غلامرضا نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، تهران، مؤسسه رسا، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۵۳۶.

۲۴. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، صص ۲۱۹-۲۲۰.

۲۵. ارتشبد فردوست در بازگویی یادمانده‌های خود در ارتباط با دیگر افرادی که از ثروت محمدرضا مطلع بودند به مصطفی قلی رام، رئیس بانک ملی که پس از آن به ریاست بانک عمران که متعلق به محمدرضا پهلوی بود نایل آمد؛ و همچنین جعفر بهبهانیان، معاون امور مالی دربار شاهنشاهی؛ و جعفر شریف‌امامی، رئیس بنیاد پهلوی، اشاره دارد. همان مأخذ، ص ۲۱۶.

شهریار شفیق، پسر اشرف و فرمانده واحد هواناو نیروی دریایی می‌نویسد:

شهریار شفیق عقیده داشت: «حبیب‌اللهی، فرمانده فعلی نیروی دریایی، گرچه مرد خوبی است ولی اصلاً قدرت تصمیم‌گیری ندارد. او نمی‌داند که بسیاری از تجهیزات تحویل شده از سوی آمریکا به ما (مثل ناوشکنهای اسپورانس Spurance) اصلاً برایمان قابل استفاده نیست، و ضمناً هم توانایی ندارد مشکلاتی را که در مورد تربیت افسران نیروی دریایی در آمریکا به وجود آمده حل کند، زیرا بسیاری از این افسران پس از خاتمه دوره کارآموزی دیگر به ایران باز نمی‌گردند و همانجا در آمریکا به کار مشغول می‌شوند. و به همین جهت است که قرار شده من بعد برای تربیت افسران نیروی دریایی ایران، بیشتر از کشور انگلیس استفاده کنیم...» و من با شنیدن حرفهای شهریار به فکر فرو رفتم که: آیا او این حرفها را به دایی خود هم می‌زند یا نه؟^{۲۶}

بی‌گمان نه شهریار که زاده همزاد محمدرضا پهلوی بود و نه هیچ کس دیگر جرئت ابراز مخالفت با دیدگاههای شاه را نداشت. فریدون هویدا، سفیر محمدرضا پهلوی در سازمان ملل که تصور می‌نماید شاه از روحیه معتدلی برخوردار بوده است چنین می‌نگارد:

دگرگونی روحیه شاه تقریباً از اواخر سال ۱۳۴۹/۱۹۷۰ آغاز شده بود. در همین زمان یک بار که برادرم [امیرعباس هویدا] از ملاقات هفتگی خود با شاه بازگشت خطاب به من گفت: «نمی‌دانم برایش چه اتفاقی افتاده که دیگر اصلاً حرف گوش نمی‌کند و بحث کردن با او هم جز عصبانی شدنش نتیجه دیگری ندارد...»^{۲۷}

اما موضوع تغییر و تحول در روحیه شاه مطرح نبود. جاه‌طلبی و غرور وی بی‌حد و حصر بود. در ایدئولوژی شاهنشاهی، توگویی شاه قطب عالم امکان است و «عقل کل» به شمار می‌آید. تفرعن، خودمحوری و خودبزرگ‌بینی آخرین شاه ایران زمین شاید از ۱۳۴۹ پیش از گذشته تبلور یافته باشد، اما همواره در درون وی این «شاهنشاهی ناپیدا» به منظور پیدایی و ظهور غلیبان داشته است. اسدالله علم، محرم اسرار شاه در یادداشت سه‌شنبه ۲۷ بهمن ۱۳۴۹ - همان زمانی که هویدا بدان اشاره می‌کند - می‌نویسد:

شاه گفت: بین اوضاع چگونه خود به خود جور شد. مشکل نفت حل شد، باران در سراسر ایران بارید، رهبری ایران در سراسر خاورمیانه مورد قبول سراسر دنیاست...

۲۶. پرویز راجی. خدمتگزار تخت طاووس. ترجمه ح. ا. مهران. تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۴. ص ۷۷.

۲۷. فریدون هویدا. سقوط شاه. ترجمه ح. ا. مهران. تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۵. ص ۷۲.

من بر اثر تجربه دریافته‌ام که هر کسی با من در بیفتد پایان غم‌انگیزی پیدا می‌کند. [جمال عبدال] ناصر که دیگر وجود ندارد. جان و رابرت کندی هر دو کشته شدند، برادرشان ادوارد هم که آبرویش رفته، خروشچف از کار برکنار شد. این لیست پایان ندارد. همین فرجام در انتظار دشمنان داخلی من نیز هست؛ مصدق را ببین، همینطور قوام...^{۴۸}

به راستی شگفت‌انگیز است. در پندار محمدرضا پهلوی حل معضلات اقتصادی، سیاسی و حتی طبیعی چون کم‌آبی و بارش باران در کشور، همچنین آنچه بر سر عبدالناصر در مصر، برادران کندی در ایالات متحده آمریکا، خروشچف در اتحاد جماهیر شوروی، مصدق و قوام در ایران و ... آمده است با «اثر وجودی شاه» پیوندهایی دارد! این تفرعن روز به روز فزونی می‌یافت، به طوری که فریدون هویدا روایت می‌کند در آخرین ملاقات با برادرش امیرعباس هویدا، از وی درخصوص احساس مسئولیت پرسش می‌کند و:

برادرم با تندی جواب داد: «کدام مسئولیت؟! مگر او [شاه] می‌گذارد کسی احساس مسئولیت هم بکند؟ همه تصمیم‌ها را خودش شخصاً می‌گیرد و من در دوره نخست وزیری اصلاً از آنچه که در ارتش و ساواک می‌گذشت روحم خبر نداشت.»^{۴۹}

اگر هم شخصی یافت می‌شد و با این چرخه خرید نظامی مخالفت می‌کرد، قطعاً نه تنها از کار برکنار می‌شد بلکه تا آخر عمر به انزوا کشیده می‌شد و از شغل‌های دیگر دولتی محروم می‌گشت و مخالفت او با خریدهای بدون مبنای منطقی، و محاسبه اصولی، مخالفت با شاه قلمداد می‌گردید. نمونه‌ای از این مدعا را می‌توان در نحوه برخورد با سپهد عاطفی مشاهده کرد. عاطفی افسر مهندس و رئیس اداره مهندسی ارتش بود. طوفانیان وی را جانشین خود در صنایع نظامی کرد اما پس از اینکه با خلافکارهای رئیس خود از نزدیک آشنا شد بنای مخالفت نهاد و به رغم این که با فرد مقتدری چون قره‌باغی رفاقت و رفت و آمد خانوادگی داشت از کار برکنار و خانه‌نشین شد و دیگر هیچ مسئولیتی به وی محول نگردید. حکایت فردوست در این باره از این قرار است:

[عاطفی] در تهیه وسایل با طوفانیان مخالفت کرد و مخالفت خود را به محمدرضا

۴۸. گفتگوهای من با شاه: خاطرات محرمانه امیراسدالله علم. گروه مترجمان. تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۱. ج ۱، ص ۳۱۵.

۴۹. سقوط شاه. صص ۳۱-۳۲. البته پرداختن به این ادعای اخیر هویدا را به فرصت و جای مناسب دیگری موکول می‌کنیم.

نوشت و گفت: تا اینجا هستم نمی‌گذارم این کار انجام شود. طوفانیان موضوع را به محمدرضا گفت. او هم گفت: این آدم مخبط است، بازنشسته شود و انجام شد.^{۵۰}

در پی دستور محمدرضا پهلوی مبنی بر بازنشستگی سپهبد عاطفی، وی بنابه پیشنهاد ارتشبد فردوست عریضه‌ای به شاه می‌نویسد. پا در میانی فردوست و ارانیه توضیح مفصلی زیر عریضه وی راه به جایی نمی‌برد و محمدرضا در حاشیه عریضه ارسالی چنین می‌نویسد: «فرد مخبطی است و نباید به او شغل داده شود».^{۵۱}

این هم سزای مخالفت با این قبیل خریدهای تسلیحاتی رژیم شاهنشاهی بود. گویا به پشتیبانی همین اقتدار نظامی، محمدرضا پهلوی تصور «سلطنت پایدار» و «شاهنشاهی پاینده» را می‌کرد، چنان که در اواخر خرداد ۱۳۵۷/نیمه دوم ژوئن ۱۹۷۸ در مصاحبه با مخبر روزنامه هرالد تریبیون اظهار می‌دارد:

هیچ کس نمی‌تواند مرا سرنگون کند چون ۷۰۰ هزار نظامی، بیشتر کارگران و اکثریت مردم ایران پشتیبان من هستند.^{۵۲}

گذشت زمان بیش از همه نادرستی این اظهارنظر شاه را آشکار و فروپاشی کاخ شیشه‌ای رؤیاهای وی را موجب شد. و اما طوفانیان مسئولیت همه نوع خرید را عهده‌دار بود، از فانوسقه گرفته تا آواکس که در این پژوهش، تصویر برخی از اسناد آن خواهد آمد.

روند خریدهای تسلیحاتی

با خاتمه جنگ جهانی دوم، سیاست خارجی آمریکا در جهان به ویژه کشورهای همسایه شوروی و از جمله ایران براساس کمکهای اقتصادی و نظامی به این کشورها در برابر نفوذ کمونیسم و سلطه شوروی بود. آمریکا، ارتش ایران را مجهز به جنگ‌افزارهای نظامی ساخت و در پی آن مستشاران آمریکایی به منظور تعمیر و نگهداری این سلاحها و فرادهمی کاربرد آنها به ایران راه یافتند. این روند با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شتاب بیشتری به خود گرفت. هلمز، رئیس سابق سازمان سیا و سفیر آمریکا در ایران در خاتمه مأموریت خود به روشنی اظهار می‌دارد:

همکاریهای نظامی با ایران ادامه یک سیاست کلی است که از طرف شش

۵۰. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۶۸۶. ۵۱. همان مأخذ، ص ۶۸۶.

۵۲. نامه‌متنکار تاخت طاووس، ص ۲۰۴. راجعی در یادداشت ۲۰ ژوئن ۳۰/۱۹۷۸ خرداد ۱۳۵۷ پس از مطالعه این گفت و گو و توجه به عبارت یاد شده، می‌نویسد: «تمام بدنم به لرزه افتاد».

رئیس‌جمهوری به مورد اجرا گذاشته شده و همچنان تعقیب می‌گردد.^{۵۳}

به دنبال کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، امریکا با پول نفت ملت به تجهیز ارتش ایران پرداخت. انگیزه مسلح ساختن ایران و فروش سلاحهای امریکایی دلایل عمده‌ای داشت و از جمله:

۱. حرص و آرزو اشتهای سیری‌ناپذیر شاه به برخورداری از ارتش مجهز و مدرن بود تا عاملی به منظور سرکوب شورشهای داخلی در مناطق گوناگون کشور باشد و در برابر تهاجم نظامی احتمالی از سوی شوروی ایستادگی کند.

۲. تضعیف کشورهای متمدنی غرب منطقه، به ویژه مصر که در این سالها توسط جمال عبدالناصر رهبری می‌شد و همچنین عراق که در سال ۱۳۳۸ با کودتای عبدالکریم قاسم از پیمان بغداد خارج شده و عملاً سیاسی ضد امریکایی در پیش گرفته بود و به شوروی گرایش داشت، نیز مطمح‌نظر رژیم شاهنشاهی بود.

۳. ایجاد و تقویت وابستگی اقتصادی از رهگذر خرید فزونتر سلاح بود. چرخه مبادله نفت با اسلحه، موجبات کنترل هرچه بیشتر اقتصاد و ارتش ایران توسط امریکاییها را موجب شد.

۴. حراست از تنگه هرمز به مثابه معبر صدور نفت منطقه به امریکا و اروپا که ضروری بود ایران شاهنشاهی با ارتش تابین دندان مسلح از این آبراه استراتژیک محافظت نماید. خرید اسلحه توسط شاه، این سیاست استعماری را فزونتر روشن می‌سازد. به‌زعم نظر بسیاری از تحلیلگران رویدادهای تاریخی-سیاسی دوران پهلوی، ایران از ابتدای دهه پنجاه بی‌محابا مبادرت به خرید سلاح و جنگ‌افزارهای نظامی به ویژه از امریکا نمود. میزان خرید تسلیحاتی که از این هنگام تا زمان سقوط سلطنت پهلوی انجام گرفت، به هیچ‌وجه قابل مقایسه با تمامی دوران حیات سیاسی دودمان «پهلوی‌ها» نبود. در فاصله زمانی دو دهه (۱۹۵۰ تا ۱۹۷۱) کل خرید تسلیحاتی ایران از امریکا به یک میلیارد دلار هم نرسید ولی از ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۸ / ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۶، تنها در عرض هشت سال، میزان خرید سلاح از امریکا به رقم نجومی و حیرت‌انگیز نوزده میلیارد دلار بالغ شد.^{۵۴}

شاه درصدد تهیه سلاحهای گوناگون برای ارتش بود، لیکن خریدهای تسلیحاتی، تابع هیچ برنامه مشخصی نبود. به گزارش سری تاچرمود در مورخه ۱۶ اوت ۱۹۶۶ / ۱۳۴۵/۵/۲۵، از تهران به وزارت خارجه امریکا که رونوشت آن برای اطلاع به سفیران

۵۳. نک: سقوط شاه، ص ۹۸

۵۴. اطلاعات (روزنامه)، مورخ ۱۳۵۵/۹/۲۲.

امریکا در آنکارا، بغداد، لندن، مسکو و راولپندی، ارسال شده است: شاه در اندیشه دستیابی به هواپیماهای میزاف بود و معتقد بود که با هواپیماهای میگ ۲۱ برابری می‌کند. او به دریافت هواپیماهای اف - ۴ سی علاقه‌مند بود ولی فکر می‌کرد که خیلی گران تمام خواهند شد... در ژانویه ایالات متحده تصمیم گرفت که یک هیئت تحقیقاتی نظامی به ایران اعزام نماید. در همین اثناء شاه افسر رکن پنجم خود، تیمسار سپهبد حسن طوفانیان را به اروپا فرستاد تا در مورد امکانات وسایل نظامی آنجا به جست و جو بپردازد...»^{۵۵}

جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در ۱۳۴۶ و متعاقب آن تحریم نفتی اعراب در مورد کشورهای هوادار اسرائیل، موقعیت مناسبی به منظور فروش نفت بیشتر توسط ایران فراهم آورد. شاه با بهره‌وری از این فضای مناسب، میزان فروش نفت را افزایش داد. در آستانه دهه پنجاه، شاه به وضع موجود هم قانع نبود و بر مبنای نقش دیگری که به وی محول کرده بودند مایل بود مسئولیت بیشتری در دفاع از امنیت منطقه به عهده گیرد. از این رو خرید سلاح به صورت کلان در سر لوحه برنامه‌های شاهانه قرار گرفت. برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله که به مناسبت بنیانگذاری شاهنشاهی ایران به دست کورش کبیر بود، اوضاع و پیامدهای خاصی را موجب شد.

در این جشن، بیست پادشاه و امیر عرب، پنج ملکه، بیست و یک شاهزاده، شانزده رئیس جمهوری، سه نخست‌وزیر، چهار معاون رئیس جمهوری، و دو وزیر خارجه از ۶۹ کشور شرکت کردند... مراسم جشن در نهایت گشاده‌دستی و اسراف انجام گرفت. هزینه آن بیش از ۲۰۰ میلیون دلار برآورد شد... در همان اوان که میلیونها دلار صرف هزینه خرید و ارسال مشروب، گل و غذا، از اروپا شد، و هنگامی که میهمانان در تخت‌جمشید، جگر غاز و خاویار مزمزه می‌کردند، هزاران ایرانی در ایالات سیستان و بلوچستان، حتی در روستاهای فارس گرسنه بودند.^{۵۶}

بی‌گمان برپایی این بازی شاهانه، که برخی مطبوعات خارجی از آن به عنوان «پرس و پلیس» یاد کردند، بر خودبزرگی‌بینی محمدرضا پهلوی بیشتر افزود. سال ۱۳۵۲ برای محمدرضا پهلوی حائز اهمیت بود. وی تجربه‌نویسی را پیش روی

۵۵. اسناد لانه جاسوسی. ج ۸، ص ۷. چندی بعد ژنرال طوفانیان با تیمسار سرتیپ پترسن در ۱۶ فوریه ۱۳۴۵ که در رأس هیئتی وارد تهران شده بود موافقتنامه‌ای امضا کرد. این توافق در مورد نرخ برخی از سلاحهایی بود که شاه به منظور خرید و تحویل زودهنگام آنها بی‌تابی از خود نشان می‌داد. همان مأخذ، ج ۸، ص ۸. ۵۶. تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران. ج ۱، صص ۳۴۸-۳۴۹.

داشت و آن اعزام نیروی نظامی به ظفار بود، آن هم به منظور سرکوب چریکهای مارکسیست عمان که از سوی یمن جنوبی پشتیبانی می‌شدند. شاه بنا به درخواست سلطان قابوس، پادشاه عمان، سرکوب شورشگران را عهده‌دار شد. این تجاوز در سایه حمایت آشکار امریکا انجام گرفت.

یک سال بعد یعنی در اکتبر ۱۹۷۳ بر اثر جنگ اعراب و اسرائیل، کشورهای نفت‌خیز عربی، صدور نفت خود را به امریکا و اروپا تحریم کردند. کمبود نفت به گونه‌ی چشمگیر محسوس شد. شاه با استفاده از تحریم نفتی اعراب، نفت ایران را با تولید بیشتر به چند برابر قیمت فروخت. بودجه نظامی به شدت افزایش یافت. حالا دیگر شاه به لطف دلارهای فراوان ناشی از فروش نفت قادر بود هر سلاحی را خریداری کند. رفت و آمد نمایندگان کمپانیها نیز به گونه‌ای گسترده افزایش یافته بود. اما محمدرضا پهلوی مرتکب یک اشتباه بزرگ نیز شده بود.

یکی از اشتباهات بزرگ شاه و مشاوران او، برآورد نادرست نتایج جهش ناگهانی بهای نفت در سال ۱۹۷۳ بود که منجر به پایین آمدن مصرف سوخت و نیز رکود اقتصادی جهان غرب گردید. شاه برای فروش بیشتر نفت و نیز توافق با معاملات پایاپای جنگ‌افزار-نفت، سپهبد حسن طوفانیان را به واشینگتن فرستاد.^{۵۷}

خریده‌های کلان نظامی، نیاز به حضور کارشناسان نظامی را به ظاهر منطقی جلوه‌گر ساخته بود. در نیمه نخست دهه پنجاه، هزاران نظامی امریکایی در ایران حضور داشتند که منابع، شمار آنان را مختلف ذکر کرده‌اند. کمپانیهای تسلیحاتی که دیدند چگونه محمدرضا پهلوی به ثروت کلانی دست یافته بود، با ارائه صورتی از پیچیده‌ترین سلاحهای جنگی، وی را بیش از پیش به خرید تحریک کردند.

وضعیت در ۱۹۷۳ (۱۳۵۳) چنان به وخامت گرایید که جیمز شلزیگر، وزیر دفاع، یک سرهنگ بازنشسته ارتش به نام ریچارد هلاک را به عنوان نماینده غیررسمی خود استخدام کرد و به ایران فرستاد. مأموریت هلاک آن بود که به طور مستقل تحلیلی از تدارک تسلیحات در اختیار شاه و طوفانیان قرار دهد و اگر مشکلی به وجود آمد، شلزیگر را آگاه سازد. در چنین شرایطی درک این مطلب که سرانجام کار هلاک به آنجا برسد تا برای هر دو طرف کار کند، آسان است. مسئولیت چنین بود: تا زمانی که اریک فون مارید (Eric Von Marbod) یک کارچاق‌کن و مشکل‌گشای دیگر وزارت دفاع، در سپتامبر ۱۹۷۵ (شهریور ۱۳۵۴) خود را به تهران رسانید، ارتشبد هلاک به عنوان یک شهروند معمولی امریکایی به خدمت ارتشبد طوفانیان

درآمده بود. ظاهراً او در امور تهیه تسلیحات مشاور تیمسار شده بود.^{۵۸}

به گمان کارشناسان افزایش تصاعدی قیمت نفت که پیامد جنگ اعراب و اسرائیل بود، عامل اساسی در تداوم رویکرد تسلیحاتی جنون‌آمیز شاه بود. شاید هم وی از این فرصت استثنایی سود جست تا پس از به تحلیل رفتن قوای طرفین، موقعیت خود را در منطقه مستحکم‌تر سازد چرا که کشورهای عرب زیر تأثیر فشار افکار عمومی مبادرت به رویکردهای ویژه کردند. عربستان سعودی با اتخاذ دیپلماسی فعال، بخش قابل توجهی از هزینه جنگ را پذیرفت. کویت با توجه به حضور فلسطینی‌ها در آن کشور (تقریباً ۳۰٪) و بیم از بروز نارضایتی داخلی در جریان جنگ مساعدت کرد. قطر و امارات نیز به تحریم نفتی پیوستند. بحرین هم واکنش نشان داد. عراق نیز در یک اقدام نمایشی یک تیپ ۱۲ هزار نفری را همراه با ۲۵۰ تانک و هواپیماهای جنگی اعزام کرد و...^{۵۹} در چنین موقعیتی شاه تنها به فروش بیشتر نفت و خرید فروتنتر اسلحه می‌اندیشید و کوچکترین توجهی به احساسات مسلمانان و همسایگان خود نشان نمی‌داد.

سوءاستفاده در خرید F-14 از شرکت گرومن

در تابستان سال ۱۳۵۳ نیکسون موافقت کرد که محمدرضا پهلوی هواپیماهای فانتوم F-14، یکی از مجهزترین و پیشرفته‌ترین هواپیماهای شکاری جنگنده جهان، را به دست آورد. نرخ هر فروند این هواپیما ۳۰ میلیون دلار بود که دقیقاً شش برابر قیمت فانتوم F-4 بود. کمپانی گرومن سازنده این هواپیما بود. مبلغ نخستین قرارداد ۹۰۰ میلیون دلار برای خرید ۳۰ فرونده جنگنده F-14 بود. انعقاد این قرارداد کلان بسیاری از کشورها و همچنین کارشناسان نظامی را شگفت‌زده ساخت.

بنا به اظهار کارشناسان، هزینه تمام شده هر هواپیمای فانتوم F-14 برای نیروی دریایی امریکا ۲۰ میلیون دلار بود، حال آن که همین هواپیما را به نیروی دریایی ایران به مبلغ ۳۰ میلیون دلار به فروش می‌رسید! این افزایش نرخ ۵۰٪ کاملاً غیرعادی بود چرا که کالاهای صادراتی در بسیاری از کشورهای جهان به دلیل معافیت از عوارض، تشویق امر صادرات، ارزانتر نرخ‌گذاری می‌شود.

58. Senate Committee on Foreign Relations, U.S. Military Sales, P. 48.

به نقل از: شیر و عقاب، روابط بدفترجام ایران و آمریکا، ص ۲۸۸

۵۹. نک: محمد فردسعیدی و شهرام جوبین، تحولات سیاسی اخیر در خاورمیانه و سیاست خارجی ایران.

تهران، مؤسسه پژوهشهای سیاسی و اقتصادی بین‌المللی، ۱۳۵۴، صص ۵۸-۶۰.



از راست: ارتشبد رضا عظیمی، وزیر جنگ؛ حسن طوفانیان، رئیس سازمان صنایع نظامی و قائم مقام وزیر جنگ؛ سپهد اسدالله صمیمی، وزیر سابق جنگ | ۲۸۶۰-۱-پ |

مأموران تحقیق سنای امریکاپس از مطالعه و بررسی اسناد و مدارک فاش ساختند که در جریان فروش هواپیماهای فانتوم (F-5 و F-14) از سوی دو شرکت امریکایی، حق و حسابهایی به مقامات ایرانی پرداخت شده است. مطبوعات سرشناس دنیا سخن از پرداخت مبلغ ۲۴ میلیون دلار از سوی شرکت گرومن به واسطه‌ها و نمایندگان طرف ایرانی به میان آوردند.^{۶۰} حسن طوفانیان با برپایی یک مصاحبه مطبوعاتی ضمن تکذیب

۶۰. «شرکت هوایی-فضایی گرومن در ۱۹۷۶ (۱۳۵۵) گرفتار یک رسوایی گردید، چه حاضر شده بود برای قرارداد فروش ۸۰ فروند F-14 به قیمت ۲/۲ میلیارد دلار، ۲۸ میلیون دلار کمیسیون بپردازد. این جریان سر و صدای فراوانی در روزنامه‌های ایران به وجود آورد. بنا به نوشته نیویورک تایمز، ریاست کل شرکت بین‌المللی گرومن اعتراف کرد که شخصاً نامه‌ای به ارتشبد طوفانیان، معاونت وزارت جنگ شاه که افسر مأمور خرید بود نوشته و در آن پرداخت ۲۸ میلیون دلار را تعهد نموده است.

خبر پرداخت پورسانت به افراد ایرانی، شرکت گرومن را مسئول این سوءاستفاده‌ها معرفی کرد. وی در پاسخ به این پرسش که آیا حقیقت دارد کمپانی گرومن امریکایی (فروشنده هواپیماهای اف ۱۴) پرداختهایی به مبلغ هشت میلیون دلار به شش نفر ایرانی کرده است، اظهار داشت:

این خبر ۱۰۰٪ غلط است... شاهنشاه آریامهر به امریکا تشریف‌فرما شدند و هواپیماهای اف ۱۴ و اف ۱۵ را شخصاً بازدید نمودند و بدین ترتیب اگر فرد یا سازمانی اظهار دارد که دخالتی در این خریدها داشته دروغ محض است.

در سپتامبر ۱۹۷۳ من به دعوت دولت امریکا برای بازدید از هواپیماهای اف ۱۴ و اف ۱۵ به امریکا مسافرت کرده بودم، ملاقاتی با مدیرعامل و مدیران شرکت گرومن داشتم و نظر دولت ایران را که خریدهای ارتش از دولت امریکا و وزارت دفاع امریکا باید بی‌واسطه باشد به اطلاعشان رساندم... در ژانویه ۱۹۷۴ این هواپیماها را خریدیم... در دسامبر ۱۹۷۴ مسئله خرید هواپیماها خاتمه پذیرفت... در آوریل ۱۹۷۵ به وسیله یکی از دوستانم به طور خصوصی اطلاع پیدا کردم اشخاصی به نام برادران لاوی که در لیست سیاه قرار دارند و از سال ۱۳۵۱ تحت تعقیب دولت ایران بودند در امریکا به استناد آشنایی با من می‌روند و می‌خواهند با ایران معاملاتی انجام دهند... چندی بعد شنیدم گرومن نمایندگی داده و بر سر تقسیم حق نمایندگی بین دو دسته دعوا شده و... گرومن با ایسترن اینترنشنال که برادران لاوی هستند در دوم فوریه ۱۹۷۳ این قرارداد را بستند و در این قرارداد آمده است که روی ده میلیون فروش ۴٪، روی ۴ میلیون دلار اول ۳٪ و روی پنجاه میلیون دلار بعد ۲٪ و از ۱۰۰ میلیون به بالا ۱٪ کمیسیون قرار داده‌اند و روی قطعات یدکی و پشتیبانی ۱۰٪ و روی بازدید اساسی و تعمیرات و تمرینات ۵٪ و در ۱۶ آوریل همان سال در قرارداد تجدیدنظر کردند و این ۱۰٪ و ۵٪ را به ۲۰٪ افزایش دادند...

→ New York Times, Feb. 11, 1976, P. 66; Louis Kraar, "Grumman still Flies for the Navy, but it is Selling the World," Fortune, February 1976, PP. 78-83, 142, 144, 146.

زمانی که طوفانیان در برابر چنین اعترافی قرار گرفت، با چهره‌ای حق به جانب و آزرده و خشمگین، تمام گناهان را متوجه گرومن دانست: «این داستان نشان می‌دهد که کشورهای خارجی تا چه اندازه در صدد چپاول ما هستند. ما به آنها این اجازه را نخواهیم داد و پولها را از حلقومشان در خواهیم آورد.»

New York Times, Feb. 15, 1976.

طوفانیان یک افسر نیروی هوایی با سابقه خدمتی ۴۶ ساله بود. او از اعتماد کامل شاه بهره‌مند بود، و تا واپسین روزهای حکومت شاه در مقام خود باقی ماند، در حالی که شاه تا آن وقت خود را از شر دهها مشاور بزرگ و کوچک، خلاص کرده بود. «شیر و عقاب، روابط بدفروجام ایران و امریکا. صص» ۲۸۸-۸۷

گرومن دو چک یکی به مبلغ سه میلیون و ۱۰۰ هزار دلار به برادران لاوی داده که اینان از ۵۱/۸/۲۰ در ایران تحت تعقیب هستند و هیچ‌گاه به ایران نیامده‌اند و به امریکا فرار کرده‌اند و دو نفر برادران لاوی تبعه امریکا شدند و نفر سوم آنان نیز در حال تبعه شدن است. چک دیگری در تاریخ ۷۵/۴/۲۵ یعنی در همان تاریخ چک اول به مبلغ دو میلیون و ۹۰۰ هزار دلار به فیوج امریکایی داده شده که گویا شریک لاوی است... من امریکاییها را صحیح‌العمل و درست نمی‌دانستم، قرار نبود نمایندگی داشته باشند.^{۶۱}

طوفانیان در پایان این نمایش مطبوعاتی، متن دو سند سری بدون شماره و تاریخ را به منظور درج در اختیاری روزنامه‌نگاران قرار می‌دهد:

[سند یک]

نامه محرمانه نخست‌وزیر؛ با تقدیم احترامات

جناب آقای نخست‌وزیر، پیرو مذاکرات تلفنی با آن جناب، فتوکی اطلاعیه مورد بحث به پیوست تقدیم، ضمناً به عرض می‌رساند که بر حسب تصادف، آقای Kummrow، مدیر فروش کمپانی Dichhi آلمان برای مذاکره درباره فروش شنی تانک و ماسوره برای مهمات با کسب وقت قبلی در تاریخ ۵۱/۸/۱۶ به ملاقات من آمد و ضمن صحبت، عین اطلاعیه پیوست را تأیید داشت و اظهار کرد که نامبرده، شخص مورد نظر را نپذیرفته و به هیچ عنوان حاضر به مذاکره با او نشده است، ولی تلفنی اظهار داشته که با نفوذی که در ایران دارد می‌تواند اشخاصی را به حضور ملوکانه معرفی و هر نوع اقدامی در ایران معمول دارد و با تحقیقاتی که به عمل آمد، شخصی که به عنوان نماینده من معرفی شده اطاقدار و یا مستخدم دفتر لاوی می‌باشد. خواهشمند است مقرر فرمایند به هر ترتیب که مصلحت می‌دانند پیگیریهای لازم به عمل آید که ضمن این که نامبرده مجاز به معامله با مؤسسات دولتی نگردد، به نحوی تحت تعقیب قانونی هم قرار گیرد.

جانشین وزیر جنگ. ارتشید حسن طوفانیان

[سند دو]

نامه محرمانه به ریاست ستاد بزرگ ارتشداران

۱. طبق اطلاعاتی که به این سازمان رسیده شخصی به نام پرویز لاوی در خارج از ایران و برادر او هوشنگ لاوی در ایران ضمن مراجعه به کمپانیهای مختلف،

۶۱. اطلاعات (روزنامه). مورخ ۱۳۵۴:۱۱:۲۵.

خود را نماینده برخی از مقامات عالی دولتی ایران به خصوص مقامات نظامی معرفی نموده و سعی می‌نماید از این طریق موافقت اولیای این مؤسسات را به همکاری با خود و شرکتهایی که جهت انجام معاملات با دستگاههای دولت به وجود آورده جلب نماید.

۲. گذشته از زیانهایی که اعمال این اشخاص بر حیثیت ایران در خارج وارد می‌آورد، این افراد مهمترین عواملی هستند که سعی می‌نمایند تا فساد را حتی الامکان در کشور رواج دهند.

۳. با توجه به موارد بالا مقرر گردیده نیروهای مسلح شاهنشاهی برای مذاکره درباره فروش شنی تانک و ماسوره برای مهمات اجرای منظور خود مانند (لاوکو و مذاکو) و یا اسامی دیگر به وجود آورده خودداری نموده و نامبرده را در لیست سیاه منظور دارند.

جانشین وزیر جنگ. ارتشبد حسن طوفانیان^{۶۲}

آنچه مسلم است این که در عرف مناسبات اقتصادی و تجاری برای کار انجام نشده و غیر مهم مبلغی بیش از سه میلیون دلار آن هم در آن مقطع زمانی به هیچکس پرداخت نمی‌شد مگر این که خدمتی در خور محقق می‌گردید. بعدها در تحقیقات به عمل آمده در خصوص روابط و اتحاد اقتصادی و سیاسی خانواده رشیدیان با بلندپایگان اقتصادی و سیاسی امریکا روشن شد که اینان چگونه در سطح جهانی مقاطعه‌کاران و دلّالان ثروتمندی شده‌اند:

نام رشیدیان ضمن تحقیقات مجلس سنای امریکا درباره فروش هواپیماهای «اف ۱۴» از جانب کمپانی گرومن به ایران برده شد که برادران لای، دلّالان گرومن، اقرار کردند که مبلغ ۲/۴۸۰/۰۰۰ دلار به مؤسسه خدمات بین‌المللی که برادران رشیدیان شرکای عمده آنان بودند پرداخته‌اند.^{۶۳}

۶۲. همان مأخذ.

۶۳. نگاه کنید به:

Us Congress, Senate, Committee on Foreign Relations, Subcommittee on Multinational Corporations, *Multinational Corporations and United States Foreign Policy*. Grumman Sale of F-14's to Iran, 94th Cong., 2nd Sess., 9 August Executive Session, and 10,13,15 & 27 September 1976, PP. 133-4.

نقل از: جیمز بیل و ویلیام راجر لويس، مصدق، نفت، ناسیونالیسم ایرانی. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات. تهران، نشر نو، ۱۳۶۸. صص ۴۶۸-۴۶۹

برادران رشیدیان از عوامل نزدیک دربار پهلوی به شمار می‌آمدند و نقش تعیین‌کننده‌ای در کودتای ۲۸ مرداد برعهده داشتند. گزارش کمیته روابط خارجی مجلس سنا و کنگره آمریکا در خصوص شرکتهای چند ملیتی، بخش تاریک ناچیزی از روابط برادران رشیدیان را روشن می‌سازد.

پرواضح است برادران رشیدیان به نمایندگی از سوی دربار پهلوی از مبلغ قابل توجه حق دلّالی برادران لاوی سهم معتناهی دریافت کرده بودند. ضمن آن که تناقضات مطرح شده در گفت و گوی مطبوعاتی طوفانیان و مفاد دو سند مبهم ارائه شده به اندازه‌ای آشکار است که نیاز به توضیح بیشتری ندارد.

تداوم جنون نظامیگری

سطح خریدهای تسلیحاتی ایران از غرب به ویژه آمریکا به سرعت رو به فزونی بود. وزارت خارجه و وزارت دفاع آمریکا صرفنظر از اهمیت سیاسی و نظامی، به تداوم روند تسلیح ارتش شاهنشاهی از این نظر اهمیت می‌دادند که صنایع اسلحه‌سازی آمریکا که از پایان جنگ ویتنام دچار سستی و رکود شده بود، دوباره احیا شده و به کار افتاده بود. امریکاییها نیز از هیچ کوششی به منظور افزایش نرخ دریغ نمی‌کردند. آنان نرخها را به صورت تصاعدی افزایش داده بودند به گونه‌ای که در اسناد سفارت آمریکا در تهران نیز از آن با عنوان افزایش «انفجار آمیز» یاد شده است.

قیمت یک اسکادران اف - ۴ سی که هیئت پترسون ۳۲ میلیون دلار تخمین زده بود، ۵۰ میلیون دلار رسیده بود. بلوشارک از ۲۲/۸ به ۳۲ میلیون دلار افزایش یافته بود. تانکهای شرایدن که بنا به تخمین پترسون ۵۲ میلیون دلار بود به ۸۷/۳ میلیون دلار رسیده بود. یک گردان هاوک به جای ۳۰/۵ میلیون، ۴۰ میلیون دلار و قیمت ولکان (تویخانه ضد هوایی) به جای ۱۵ میلیون، ۴۰ میلیون دلار ثبت شده بود. معلوم بود که جای دادن تمام نیازهای تعیین شده در یک اعتبار ۲۰۰ میلیون دلاری عملاً یک امر غیرممکن بود. نخست‌وزیر هویدا گزارش داد که شاه در مواجهه [مواجهه] با اوضاع همانطور که ژنرال طوفانیان به او رسانده بود، «آن را ناامیدکننده» نامید.^{۶۴}

در پاییز ۱۳۵۴، شاه تصمیم به خرید ۱۶۰ فروند هواپیمای فانتوم F-16 از کمپانی نورترپ گرفت که بهای کل آن سه میلیارد و هشتصد میلیون دلار شد که قسمتی از بهای آن نیز نقداً پرداخت گردید. در چنین وضعیتی بخش قابل توجهی از بودجه کشور صرف خریدهای تسلیحاتی می‌شد. راجی، آخرین سفیر دودمان پهلوی در لندن، ذیل خاطرات

مورخ ۱۲ مرداد ۱۳۵۶ می‌نویسد:

از هویدا راجع به مسئله قطع برق سؤال کردم، و او جواب داد: «موقعی که فقط ۳۰٪ از درآمد کشور در دست دولت قرار دارد و ۷۰٪ بقیه را در اختیار شرکت نفت و ارتش گذارده‌اند، چطور می‌توان از دولت انتظار داشت که فقط با ۳۰٪ از درآمد کشور، همه کارها را بدون عیب و نقص انجام دهد؟»^{۶۵}

خریدها به گونه‌ای سرسام‌آور انجام می‌گرفت. در برخی از خریدها، ارتش شاه حتی از وزارت دفاع آمریکا نیز سبقت می‌جست. روزنامه لوموتن در ۱۸ مه ۱۹۷۸ نوشت:

سطح خرید اسلحه توسط ایران، خصوصاً از آمریکا به سالی ۱۰ میلیارد دلار می‌رسد. ایران بیش از نیمی از سلاحهای فروخته شده توسط آمریکا را دریافت می‌دارد. ایران بزرگترین قرارداد خریدهای نظامی که شامل ۸۰ هواپیما شکاری Tomcar F.14 که برخوردار از پیشرفته‌ترین تکنولوژی هواپیماسازی می‌باشد با آمریکا منعقد ساخته است.^{۶۶}

در خصوص خریدهای کلان و سرسام‌آور رژیم شاه از آمریکا، جنجال و سرو صدای فراوانی به راه افتاده بود، به ویژه آن که این خریدها بالاتر از قیمت متعارف و هزینه‌های تمام شده بود. حرص و آز محمدرضا پهلوی در دستیابی به سلاحهای مدرن، سیری ناپذیر بود. در ابتدای سال ۱۹۷۶، طوفانیان راهی آمریکا شد.

طوفانیان در دیدار با دونالد رامسفیلد، جانشین شلزینگر، در ژانویه ۱۹۷۶ درخواست کرد بهای جنگ‌افزارهای مورد نیاز ایران کاسته شود. همچنین ایالات متحده نفت بیشتری از ایران خریداری کند. طوفانیان تهدید کرد چنانچه واشینگتن با خواستهای شاه موافقت نکند، ایران سلاح مورد نیاز خود را از محل‌های دیگری خریداری می‌کند و به متحدین دیگری روی خواهد آورد.

شاه نیز به غرب هشدار داد و از کمپانیهای نفت خواست به جبران نفت کمتری که از ایران می‌خرند، بهای بیشتری بپردازند. وزارت دفاع در پاسخ به تهدیدهای طوفانیان گفت: آمریکا نمی‌تواند جنگ‌افزار بیشتری به ایران بفروشد و چنانچه تهران مایل به لغو قراردادهای موجود باشد، ایالات متحده بی‌درنگ با آن موافقت می‌کند.^{۶۷}

۶۵. خدمتگذار تحت طاووس، ص ۸۶

۶۶. محمد ترکمان، ماهیت و عملکرد امیرالیسم آمریکا در ایران، تهران، انتشارات رسا، ۱۳۵۹، ص ۲۳.

۶۷. تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۱، صص ۵۲۵-۵۲۶.

البته اینها همه صرفاً صحنه‌سازی بود و امریکاییها با مشاهده علاقه کودکانه شاه به تدارک موزه سلاح به سان کلکسیون اسباب‌بازی، و زیر فشار قرار دادن وی سعی در افزایش نرخ سلاحها و برافروختن عطفش وی داشتند. در چنین اوضاعی، رسانه‌های خارجی اعلام کردند که تخت طاووس شاه بر روی ارتش تا بن دندان مسلح قرار دارد، چرا که شاه طی نزدیک به دو دهه گذشته، هجده میلیارد دلار تجهیزات و وسایل نظامی از ایران خریداری کرده است و اگر روند مسلح کردن ارتش شاهنشاهی بر این منوال ادامه یابد، تا سال ۱۹۸۰، ارتش ایران به سومین ارتش مجهز جهان مبدل خواهد شد.^{۶۸} کارشناسان نظامی پیش‌بینی می‌کردند که اگر تسلیح ارتش ایران بر این روند پیش رود، این ارتش تا سال ۱۹۸۲ مجهزتر از نیروهای متفقین در اروپا (ناتو) خواهد بود.^{۶۹}

شاه در این مقطع زمانی تصمیم به خرید هواپیمای فانتوم F-18 از امریکا گرفت. از این رو حسن طوفانیان که از سوی محمد رضا پهلوی، متولی خریدهای نظامی بود، به سرعت دست به کار شد.

در دوازدهم سپتامبر ۱۹۷۶، سپهبد طوفانیان، معاون وزارت جنگ ایران، با عجله، نامه‌ای برای دونالد رامسفلد، وزیر دفاع کابینه جerald فورد فرستاد و اطلاع داد که دولت ایران می‌خواهد ۲۵۰ فروند از هواپیماهای اف - ۱۸ را خریداری و آن را جانشین هواپیماهای فانتوم کند که پنج سال پیش در زمان نیکسون خریده است.^{۷۰}

امریکاییها به آسانی درک کردند که شاه در برابر هر سلاح جدیدی خود را می‌بازد، از این رو با فروش تجهیزات فوق مدرن آن روز و از جمله هواپیماهای جنگنده F-18 مخالفت کردند.

فروش هواپیماهای بمب افکن سبک اف - ۱۸ ال در پایان سال ۱۹۷۶ نیز با مخالفت روبه‌رو شد. نورتروپ در ضد بود این هواپیماها را به دولت امریکا بفروشد و چون

→ چندی بعد شاه «معاون وزیر جنگ خود ارتشید حسن طوفانیان را در دسامبر سال ۱۹۷۶ (۱۳۵۵) به مسکو فرستاد... شاه با اعزام طوفانیان به مسکو می‌خواست به امریکا نشان دهد که منابع تسلیحاتی دیگری غیر از ایالات متحده نیز در دسترس ایران قرار دارد.» شکست شاهانه، روانشناسی شخصیت شاه، ص ۴۲۱.

۶۸. بنگرید به مقاله روزنامه لورو به تاریخهای نهم و دهم سپتامبر ۱۹۷۸، به نقل از: ماهیت و عملکرد امپریالیسم امریکا در ایران، ص ۲۳.

۶۹. احمد فاروقی و ژان لوروریه، *ایران بر ضد شاه*، ترجمه مهدی نراقی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸، ص ۱۳۰.

۷۰. همان مأخذ، ص ۱۲۹.

موفق نشده بود، بدون انجام تشریفات اداری برای فروش آنها با مقامات ایرانی وارد مذاکره گردید. به گفته یکی از مقامات رسمی دولت امریکا «ایران، به صورت بازار داغی برای کمپانی نورتروپ درآمده بود.» سرانجام پس از ملاقاتی که توماس جونس، رئیس کارخانه نورتروپ با شاه به عمل آورد، طوفانیان خرید ۲۵۰ فروند هواپیمای اف - ۱۸ ال با تجهیزات و خدمات آن را به مبلغ ۲/۵ میلیارد دلار سفارش داد. ولی رامسفیلد، وزیر دفاع انجام هر گونه معامله‌ای را با ایران منوط به موافقت دولت ایالات متحده دانست. سنای امریکا (کمیته روابط خارجی) نیز فروش جنگ‌افزار و تجهیزات نظامی رابه خارج، مشروط به نتیجه رسیدگی به وضع سلاحهای فروخته شده از سوی امریکا به کشورهای حوزه خلیج فارس کرد.^{۷۱}

شاه نه تنها نیروی هوایی، بلکه نیروی زمینی خود را نیز تقویت کرد و این نیرو را به جنگ‌افزارهای جدید مجهز نمود. خرید تانک چیفتن از انگلستان، چرخبال ویژه حمل و نقل از کمپانی بل و... نمونه‌های گویایی از این گونه خریدهايند. شرکتهای بزرگ تسلیحاتی در پی اقدام به فروش، ضرورت فرادهی و یادگیری کار با آن سلاح را نیز یادآور و خواستار اعزام کارشناس می‌شدند تا مبالغی را نیز به این عنوان دریافت دارند. روز گذشته ژنرال طوفانیان طی تماسی با ژنرال گست در مورد نحوه افزایش قدرت تانکهای M60 مذاکره نمود. لیکن به وی خاطر نشان شد که این برنامه ممکن است امکان‌پذیر باشد ولی پرسنل تانک دولت ایران نیاز به آموزش وسیعتری خواهند داشت.^{۷۲}

کم‌فروشی در سفارشات تسلیحاتی کاملاً مشاهده می‌شد. فروش قطعه‌ای را موقوف به خرید کالای نظامی خاص کردن، از امور رایج و مرسوم بود. به نمونه زیر توجه فرمایید:

کاردار جلسه را با مطرح کردن تلگرامی که شب گذشته فرستاد و گفت و گوهایش با تیمسار طوفانیان را وصف می‌نمود، شروع کرد. تیمسار طوفانیان گفت در صورتی که هواپیماهای F-4 همراه با سیستم مخابراتی گروه A نباشد دولت ایران خواهان آنها نخواهد بود. او گفت پیشنهاد خرید شرایک (Shrikes) او را متحیر کرده است و یادآور شد که شاه و او تصمیم گرفتند که دولت امریکا باید سعی کند که شرایک‌ها را بیاورد نماید. اما در عین حال گفت تصمیم گرفتند چنانچه هواپیماهای F-4 با سیستم

۷۱. تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران. ج ۱، ص ۵۵۰.

۷۲. اسناد لانه جاسوسی. ج ۱۲ (۲)، صص ۷۹-۸۰.

مخابراتی گروه A باشد حاضرند شرایطها (Shrickes) را نیز از ما تحویل بگیرند.^{۷۳}

طبق بررسیهایی ایران به طور متوسط سالانه نزدیک به دو میلیارد دلار سلاح تنها از امریکا خریداری می‌کرد.^{۷۴} البته خریده‌ها منحصر به ایالات متحده نبود. اما از برکت وجود عناصری چون طوفانیان، ایران شاه مبدل به پایگاه بزرگ نظامی امریکا در منطقه شده بود.

بخشی از این خریده‌ها نیز به تجهیزات اسقاطی و از رده خارج اختصاص داشت! بله، باورکردنی نیست اما حقیقت دارد. سند منتشر نشده‌ی زیرگواه این امر می‌باشد.

شرکت ویکرز با مسؤلیت محدود

۱۹ اوت ۱۹۷۶ سر شاپور ریپورتر، آپارتمان شماره ۴، روکلندگیت، لندن. اس. دبلیو. ۷

سر شاپور عزیز

در ارتباط با ملاقات امروز بعد از ظهرمان در وزارت دفاع، خواهشمند است پیشنهاد زیر را به جناب ژنرال طوفانیان ارائه فرمایید و نظرشان را جویا شوید. پیشنهاد این است که قرارداد شرکت ام تی اس ویکرز برای فروش ۱۷۵ دستگاه خودرو خارج از رده زرهی باید طبق طرح اصلی با پرداخت وجه نقد از سوی وزارت جنگ ایران به ام تی اس اجرا شود. در این حال چون قرارداد ام تی اس ویکرز در دفتر معاملات ثبت شده است ویکرز یک شرکت نفتی را به شرکت ملی نفت ایران معرفی می‌کند که نام و نشانی آن در لندن، در پایان این نامه آمده است. این شرکت به طور همزمان قراردادی را با شرکت ملی نفت ایران به ثبت خواهد رساند تا به موجب آن، با توافق طرفین، مقداری از نفت خام سنگین را بر پایه قیمت‌های اوپک ظرف یک دوره سه ساله به مقدار بهای نهایی کل قرارداد مربوط به فروش خودروهایی خارج از رده خریداری نماید.

هنوز بسیار زود است به بحث درباره‌ی شرایط و نحوه پرداخت پول نفت بر این منوال بپردازیم، اما نظر این است که آن شرکت نفتی مایل است با اعتبارنامه‌های غیرقابل فسخ، پول آن را بپردازد.

به محض دریافت نظر موافق آن جناب نسبت به این معامله پیشنهادی، مقدمات

۷۳. همان مأخذ، ص ۱۶۴.

۷۴. نک: هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی. تهران، انتشارات بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی،

۱۳۷۱، ج ۲، ص ۷۳۶.

انعقاد جلسه با شرکت تمام طرفهای ذینفع برای تعیین شرایط موافقتنامه‌ها هرچه زودتر فراهم خواهد آمد.

ارادتمند (امضا) ج. آر. هندی
معاون^{۷۵}

Vickers Limited



Telegram No. 828 7777

PO Box 177 Vickers House
Belgrave Road
London SW1P 4AA

Sir Shapur Reporter,
Flat 4,
33, Rutland Gate,
London S.W.7.

Telegram Vickers London Tube
Calligram Vickers London SW1
Tube (SW)

19th August, 1974

Dear Sir Shapur,

With reference to our meeting at the Ministry of Defence this afternoon, I shall be very grateful if you would kindly convey the following proposal to His Excellency General Yousefzadeh, and obtain his reaction to it.

The proposal is that the RTS-Vickers contract for the supply of 175 ARV's should be completed as originally planned, with cash payments being made to RTS by the Iranian Ministry of War as provided in the draft contract presently before His Excellency.

At the same time as the RTS-Vickers contract is entered into, Vickers will introduce to NIOC an oil company, whose name and London address is shown at the foot of this letter, and this company will simultaneously enter into a contract with NIOC to purchase an agreed quantity of heavy crude oil at OPEC prices over a three year period for a sum approximately equivalent to the total final value of the ARV contract. It is not easy to go into the terms and method of payment for such crude oil supplies but it is understood that the oil company would be willing to pay by way of irrevocable letters of credit.

Upon receiving His Excellency's acceptance in principle to such proposed transactions it would be the intention that all the parties concerned should arrange to meet as soon as possible in order to settle the terms of the agreements.

Yours sincerely,

J. K. Mendin - Asst. Managing Director

The oil company mentioned above is:-

Willco Oil Limited - an agency for Willco Parana
8, White Street, London S.W.3.

نامه معاون شرکت ویکرز به شاپور ریپورتر | ۱۴-۶۲۱-۱۲۹-الف

این سند، گویای حقایق بسیاری است: اختلاس و سوءاستفاده‌هایی که هنگام خریدهای تسلیحاتی صورت می‌گرفت؛ نقش سر شاپور ریپورتر، سر جاسوس انگلیس در ایران، و سپهد حسن طوفانیان در خریدهای نظامی؛ فروش خودروهای خارج از رده و غیرقابل استفاده وزارت دفاع انگلستان با واسطه‌گری شرکت ویکرز به ارتش ایران و دریافت پول نقد از وزارت جنگ ایران؛ طرح پیشنهاد جدید مبنی بر فروش خودروهای

۷۵. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره سند ۱۴-۶۲۱-۱۲۹-الف.

از رده خارج در برابر خرید نفت خام سنگین ایران با واسطه‌گری یک شرکت انگلیسی در لندن به نرخ میانگین سه سال گذشته؛ و بالاخره در صورت پذیرش پیشنهاد طرف انگلیسی، تشکیل جلسه به منظور بحث و گفت‌وگو و رایزنیهای دیگر با حضور سر شاپور ریپورتر، حسن طوفانیان، و نمایندگان انگلیسی.

بنا به اظهارنظر خوشبینانه برخی از محققان، شاه در آخرین سال زمامداری جerald فورد پی به ارتباط نزدیک و سری مقامات امریکایی با کارخانه‌های اسلحه‌سازی برده بود!

شاه به این نتیجه رسیده بود که بسیاری از توصیه‌هایی که در مورد خرید اسلحه از جانب مقامات امریکایی می‌شود، با این حقیقت آمیخته است که آنان روابط نزدیک و محرمانه‌ای با کارخانه‌های اسلحه‌سازی دارند. او می‌گفت امریکاییان بی‌اندازه ادعای پاکدامنی می‌کنند و همیشه از وجود فساد در ایران شکایت دارند، و حال آن که فساد به همین اندازه در امریکا نیز وجود دارد. و نیز از تأخیرها و افزایش قیمت‌ها و غیرمؤثر بودن بسیاری از جنگ‌افزارهایی که خریده بود شکایت می‌کرد. (مقاله والتر پیکوس و دان مورگان؛ واشینگتن‌پست، ۲۰ ژانویه ۱۹۸۰) [شاه] به ارتشید طوفانیان، مأمور اصلی خرید اسلحه، دستور داد یک گزارش شش صفحه‌ای به دونالد رمزفلد [رامسفیلد] وزیر دفاع امریکا بنویسد و از «بدرفتاری» امریکا و «سرخوردگی عمیق» خود از پنهان کردن کاستیهای یک سیستم رادار که کاخ سفید می‌کوشید به او بفروشد، شکایت کند. در حین صرف ناهار، گفت‌وگوهای تند و خشنی صورت گرفت. به روایت ایرانیان، رمزفلد اظهار داشت مسئله این است که ایرانیان فاسدند. او هیچ مسئولیتی را در مورد رفتار امریکا برعهده نگرفت. به دنبال این واقعه، شاه اظهار داشت «حیله‌گری مقامات پنتاگون و نمایندگان نظامی و غیرنظامی امریکا در اینجا، غیرقابل تحمل شده است.» (واشینگتن‌پست، ۲ ژانویه ۱۹۷۷)^{۷۶}

اگر مفاد دو مقاله مندرج در واشینگتن‌پست را بپذیریم که یکی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و دیگری پس از آن به چاپ رسیده است و محمدرضا پهلوی پی به غیرمؤثر بودن جنگ‌افزارهای خریداری شده و نرخ کاذب آن برده این سؤال برایشان پیش می‌آید که چرا روند خرید سلاح از امریکا همچنان تا سقوط سلطنت پهلوی ادامه یافت؟! این روند پس از سقوط کابینه امیرعباس هویدا و روی کار آمدن دولت جمشید آموزگار همچنان ادامه داشت، به‌رغم آن که ادعا شد به‌گاه صدارت آموزگار، بودجه

۷۶. ویلیام شوکراس، آخرین سفرشاه، ج ۲، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر البرز، ۱۳۶۹.

نظامی کاهش یافته است.

آموزگار در این گیرودار بودجه ۲۲۰۷ میلیاردی دولت خود را که نسبت به آخرین بودجه تقدیمی امیرعباس هویدا متعادل بود و هزینه کمتری داشت اعلام نمود که ظاهراً از بودجه نظامی ۱۷٪ کاسته شده بود ولی این رویه قضایا بود و نمایندگان شاه که در رأس آنان سپهد طوفانیان قرار داشت در امریکا سرگرم خرید چهل میلیارد اسلحه برای ایران بودند!^{۷۷}

از قضا، پرویز راجی در یادداشت مورخ یکشنبه ۳ آوریل ۱۹۷۷ / ۱۴ فروردین ۱۳۵۶ خود در لندن، به نقل از هوشنگ انصاری می‌نویسد:

امروز همراه هوشنگ انصاری که چند روزی به لندن آمده بود - عازم فرودگاه شدم تا او را بدرقه کنم. هوشنگ انصاری بین راه بعضی مطالب را به من یادآور شده، و از جمله گفت: هر گونه صحبتی راجع به کاهش خریدهای تسلیحاتی ایران بی‌پایه است و به هیچ وجه نباید مورد توجه قرار گیرد چون اخیراً ارتشید «طوفانیان» (مأمور خریدهای تسلیحاتی ارتش) موفق شده، علی‌رغم کاهش درآمد نفتی ایران و تغییرات حاصله در حکومت امریکا، تمام تسلیحات مورد نظر را تمام و کمال سفارش دهد.^{۷۸}

روند تأمین سلاح از ایالات متحده هرگز از حرکت بازنايستاد. در ۹ ژانویه ۱۹۷۸ / ۱۹۷۷ دی ۱۳۵۶ هیئت نمایندگی ویلیامز - استیونس به تهران آمد. بنا به گزارش سولیوان، سفیر امریکا در ایران، به وزارت امور خارجه این کشور در واشنگتن، دیدار این هیئت که ۳۶ ساعت زمان برد، سودمند توصیف شده است.

سناتورها در تاریخ ۱۰ ژانویه با شاه ناهار صرف نمودند که ظاهراً رخدادی در دیدار کوتاهشان به شمار می‌رفت. این هیئت با نخست‌وزیر ایران آموزگار نیز به تبادل نظرهای مهمی پرداختند و در هنگام صرف ناهار با ژنرال طوفانیان از تلاشهای ارتش در جهت نوسازی نیز آگاه گردیدند... ژنرال طوفانیان وضع سررشته‌داری در ایران را تشریح نمود. سفیر چگونگی کمکهای امنیتی عمومی به ایران و مدیریت امریکایی برنامه‌های مستشاری نظامی را در ایران برشمرد.^{۷۹}

۷۷. ناصر نجمی، *از سید ضیاء تا بازرگان*. تهران، ناشر نویسنده، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۷۴۸.

۷۸. خدمتگزار تخت طاووس، ص ۶۲.

۷۹. اسناد لانه جاسوسی، ج ۱۲ (۲)، صص ۳۳-۳۴.



از راست: نفر دوم، شاپور ریپورتر (سرجاسوس انگلیس و دلال خرید اسلحه)؛ نفر چهارم، حسن طوفانیان؛ نفرات ششم تا هشتم همسر و فرزندان طوفانیان در لندن | ۲۸۵۲-۱-پ |

ماجرای اختلاس در خرید تانک چیفتن

به دستور محمدرضا پهلوی، در سال ۱۳۵۴ تعداد ۱۰۰۰ دستگاه تانک چیفتن از انگلستان خریداری شد. البته مذاکره بر سر خرید این تانکها به چند سال پیش از خرید قطعی و تحویل آنها بازمی‌گردد. دو سال بعد سفارش خرید ۱۲۰۰ دستگاه تانک دیگر نیز داده شد.

در نیمه نخست آبان ماه ۱۳۵۶، روزنامه‌های صبح لندن از جمله گاردین، تایمز، دیلی میل، دیلی تلگراف، فایننشیال تایمز، مقالات و گزارشهای مفصلی راجع به دریافت رشوه یک سرهنگ انگلیسی از ایران منتشر کردند. به نوشته این مطبوعات، کلنل «دیوید راندل» که در وزارت دفاع انگلیس خدمت می‌کرد، متهم به دریافت ۲۵ هزار پوند رشوه از دولت ایران برای ترتیب دادن یک قرارداد دفاعی به منظور نصب تجهیزات رادیویی تانکهای چیفتن برای ایران شده بود. براساس خبرهای مندرج در این روزنامه‌ها، بازپرسی از راندل پایان یافته است و به زودی محاکمه وی آغاز خواهد شد. سرهنگ راندل با همکاری دو کارمند قسمت فروش وزارت دفاع انگلیس، با دریافت رشوه، زمینه مناسب برای امضای قرارداد فروش تانک چیفتن همراه با تجهیزات رادیویی را فراهم

آورده بود. زمینه انعقاد قرارداد فروش تانک چیفتن به سال ۱۳۴۹ بازمی‌گردد. قرارداد فروش آنقدر ناشیانه تنظیم می‌شود که در آن نامی و اشاره‌ای به سیستم رادیویی این تانکها نشده بود. حال آن که در همان زمان سامانه نوین رادیویی برای تانکهای چیفتن توسط کمپانی انگلیسی راکال طراحی و ساخته شده بود و سرهنگ راندل با دریافت ۲۵ هزار پوند رشوه از مقامات ایرانی، و با استفاده از موقعیت خود در قسمت فروش سلاح وزارت دفاع انگلیس، قرارداد نصب سامانه رادیویی در تانکهای چیفتن را فراهم آورد. ارتشبد طوفانیان در مقام پاسخگویی برآمد و با شرکت در یک نمایش مطبوعاتی، اختلاس در خرید اسلحه را تکذیب کرد و مدعی شد اگر در خرید سلاح سوءاستفاده شده باشد، مربوط به کشور فروشنده است نه کشور ایران که خریدار اسلحه است. طوفانیان در این گفت‌وگو اظهار داشت:

من مسئول و مأمور تمام خریدهای ارتشی هستم و در کلیه معاملات شخصاً دخالت داشتم و از جمله در خریدهای فوق [منظور تانک چیفتن از انگلیس]. به دستور شاهنشاه آریامهر کلیه خریدهای نظامی ایران در تمام نقاط جهان از جمله انگلستان مستقیم و بدون واسطه انجام می‌گیرد... در روزنامه فاینشیل تایمز نوشته شده که کمپانی راکال در رسیدگی به حساب خود متوجه ۲۵ هزار پوند کسری شده و دو نفر در این مورد گناهکار شناخته شدند. آنها گفتند این پول را به کلنل «دیوید راندل» در وزارت دفاع انگلیس داده‌اند و کلنل هم به پرتغال رفته است. ماجرا به روشی روشن می‌کند که ۲۵ هزار پوند از حساب کمپانی کم شده؛ اگر کمپانی این پول را به حساب خود نمی‌آورد، کسری هم معنی نداشت!!^{۸۰}

مغلطه طوفانیان به اندازه‌ای آشکار است که نیازی به ارائه توضیحات مفصل نیست، اما باز هم پای یک شرکت واسطه بر سر زبانهاست. با بررسیهای به عمل آمده مشخص شد که در جریان این سوءاستفاده مالی، سر شاپور ریپورتر نیز نقش عمده‌ای را ایفا کرده است. ریپورتر مشاور بلندپایه محمدرضا پهلوی بود که پدرش در برآمدن رضاخان میرپنج و چنگ‌اندازی به سلطنت، نقش بسیار مهمی بر عهده داشت. وی در بسیاری از معاملات تسلیحاتی رژیم پهلوی دوم با شرکتهای انگلیسی دخالت داشت.^{۸۱}

نشریه ساندی تلگراف، چاپ لندن، مورخ ۲۵ مارس ۱۹۷۹ / ۵ فروردین ۱۳۵۸ در بخشی از مقاله مفصل خود درباره سر شاپور ریپورتر به افشاگری علیه حزب محافظه‌کار

۸۰. اطلاعات (روزنامه). مورخ ۱۳۵۶/۸/۱۷.

۸۱. به منظور آگاهی فزونتر بنگرید به: ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جستارهایی از تاریخ معاصر ایران. تهران، انتشارات اطلاعات. صص ۱۹۷-۲۰۰.

می‌پردازد و برخی آلودگیهای مالی وابستگان حزب محافظه‌کار را بر ملا می‌سازد که از آن جمله است سرهنگ راندل در ماجرای نصب سامانه رادیویی در تانکهای چیفتن و چگونگی پرداخت کمیسیون به شاپور ریپورتر:

فرد نظامی که محاکمه شد سرهنگ دوم راندل بود که از کمیسیون غیرقانونی یک میلیون پوندی «آقای فیکسیت» (شاپورجی) پرده برداشت. پرداخت این کمیسیون به شاپورجی صحت داشت. در این رابطه سندی در دست است. این سند چک شماره ۱۶۲۵۰۰ مورخ ۱۳۵۷/۵/۲۴ بانک ایران و خاورمیانه، شعبه خیابان تخت جمشید سابق به مبلغ ۴۲۵۷۹۲۸۰ ریال می‌باشد که طی آن شاپورجی «مالیات» این کمیسیون را به وزارت امور اقتصادی و دارایی ایران پرداخت کرده و طی نامه شماره ۸۳۲۴/۳۱ مورخ ۱۳۵۷/۶/۱۵ تقاضای مفاصاحساب مالیاتی نموده است.^{۸۲}

پیوند طوفانیان با عناصر صهیونیست

به زعم نظریه‌پردازان حاکمیت پهلوی دوم، اسرائیل، متحد استراتژیک ایران، در رویارویی با اعراب به شمار می‌آمد. اما نظام پهلوی با امعان‌نظر به باورها و ایمان دینی مردم، جرئت ابراز آشکار روابط خود با صهیونیستها را نداشت. دیدار و گفت‌وگو میان زمامداران رژیم اسرائیل با محمدرضا پهلوی و کارگزاران حکومتی‌اش همواره با رعایت پنهانکاری انجام می‌گرفت.^{۸۳}

۸۲. همان مأخذ، ص ۲۰۰.

۸۳. اسدالله علم در «خاطرات محرمانه» خود به موارد متعددی از این پیوندهای سرّی اشاره می‌کند و از جمله به ملاقات دو ساعت و نیمه گلدامایر با شاه در تهران (ص ۳۳۸)؛ حضور ژنرال داوید العازار، رئیس ستاد ارتش اسرائیل در تهران (ص ۳۶۹)؛ اعطای نشان تاج به عزری، نماینده اسرائیل در تهران (ص ۴۸۰)؛ ملاقات علم با نماینده جدید اسرائیل در تهران (ص ۵۱۷)؛ درخواست دولتهای عرب مبنی بر بسته شدن دفتر تجاری اسرائیل در تهران (ص ۵۳۴)؛ ملاقات علم با نماینده اسرائیل در تهران (صص ۵۸۱-۸۰)؛ فروش ۴۰۰ هزار تن نفت با تخفیف به اسرائیل (صص ۶۰۱-۶۰۲)؛ ملاقات اسحاق رابین، نخست‌وزیر اسرائیل در کاخ شاه (ص ۶۳۹)؛ ملاقات و گفت‌وگوی علم با نماینده اسرائیل در تهران در خصوص پروژه‌های مشترک (ص ۶۷۹)؛ تبریک شاه به اسحاق رابین به مناسبت توافق با مصر (ص ۶۹۴)؛ قول شاه برای دادن نفت به اسرائیل (ص ۷۰۶)؛ ملاقات علم با لوری لوبرانی، نماینده اسرائیل و تشکر وی به خاطر تلگراف تبریک شاه به اسحاق رابین و ابراز تأسف از همکاری محدود دو کشور به خاطر «ملاحظات سیاسی» و این که از این به بعد بنا به دستور نخست‌وزیر اسرائیل، ایران مساعدترین پوشش خبری را در مطبوعات آمریکا خواهد داشت (صص ۷۰۷-۷۰۸)؛ پیشنهاد علم به شاه مبنی بر این که م.گ. به ریاست پروژه مشترک ایران با اسرائیل برای اعمال نفوذ در آراء عمومی آمریکا برگزیده شود (ص ۷۱۳)؛ دیدار و گفت‌وگوی بامدادی یک ساعت و نیمه نماینده اسرائیل و معاون وزارت اطلاعات آن کشور همراه با یک یهودی امریکایی به نام دانیل یانکلوویچ

مقامات بالای ارتش ایران نیز دائماً در رفت و آمد بین تهران و اسرائیل بودند تا با مقامات بالای دفاعی اسرائیل دربارهٔ مطالب تسلیحاتی و تکنولوژی نظامی به گفت‌وگو بپردازند. به عنوان مثال در ژوئیه ۱۹۷۸ (تیر ۱۳۵۷) ارتشبد حسن طوفانیان، معاون وزارت جنگ شاه از تل‌آویو دیدار نمود و با یک سری از افراد در مقامات حساس، نظیر موشه‌دایان، وزیر خارجه، و عزر وایزمن، وزیر دفاع، ملاقات داشت. در این ملاقاتها گفت‌وگوهای فراوان و صریحی در مورد همکاریهای سیاسی و نظامی بین ایران و اسرائیل انجام می‌گرفت. در میان آنچه می‌گذشت، طوفانیان اصرار داشت که با اسرائیل یک طرح موشکی مشترک برقرار کنند. وی سناتورهای امریکایی را مورد انتقاد قرار می‌داد که: «با جغرافیا آشنایی ندارند و در مورد مسائل جهان، ناآگاه هستند.» و پیشنهاد می‌کرد که «ایران و اسرائیل متفقاً برای نجات انور سادات، رئیس‌جمهوری مصر و ملک حسین، پادشاه اردن کوشش کنند.»^{۸۴}

با نیم‌نگاهی به آنچه که در ملاقات میان ژنرال موشه‌دایان، وزیر خارجه اسرائیل و ژنرال طوفانیان در تل‌آویو مورد بحث واقع شد، تا اندازه‌ای می‌توان سیمای فکری و سیاسی طوفانیان را ترسیم کرد. در بخشی از صورتجلسات تدوین شدهٔ این دیدار چنین آمده است:

طوفانیان اعلام داشت که ایران بسیار علاقه‌مند به اتکای متقابل با اسرائیل است... ژنرال دایان ادامه داد و گفت که ما خوشوقتیم از این که دوستی مانند اعلیحضرت شاهنشاه داریم و ما به او اتکا داریم.^{۸۵}

موضوع احداث کارخانه ساخت خمپاره‌انداز ۱۵۵ میلیمتری «ساگاد» از دیگر موضوعات مورد بحث دایان-طوفانیان بوده است. بر مبنای اظهارات طوفانیان مقرر

→ -تحلیلگر افکار عمومی در دفتر نیویورک- با اسدالله علم در خانه‌اش در تهران (ص ۷۳۸): درخواست اسرائیلیها از چرنوف، سردبیر نیوزویک به منظور تهیه مقاله خوب دربارهٔ ایران و شاه و ملاقات او با شاه (ص ۷۴۹): ملاقات علم با نماینده اسرائیل (صص ۵۰-۷۵۲ و ۸۱۴): دستور شاه مبنی بر برقراری روابط نزدیک میان اردشیر زاهدی با سفارت اسرائیل در واشنگتن (ص ۸۱۶): ملاقات علم با نکلویچ و معاون اطلاعاتی و مطبوعاتی وزارت خارجه اسرائیل (صص ۸۳۹ و ۸۴۴): موضوع ملاقات با موشه‌دایان و دوستی ۲۰ سالهٔ وی با علم (ص ۸۸۳): دیدار از صبح تا بعد از ظهر موشه‌دایان با شاه (ص ۸۸۸). گفتگوهای من با شاه. گروه مترجمان. تهران، طرح نو، ۱۳۷۱.

۸۴ شیر و عقاب. روابط بدفترجام ایران و امریکا. صص ۷۰-۵۷۱. بر مبنای اسناد به دست آمده از سفارت امریکا در تهران، چنین می‌نماید که تاریخ سفر طوفانیان ژوئیه ۱۹۷۷ / تیر ۱۳۵۶ بوده باشد.

۸۵ اسناد لانهٔ جاسوسی. ج ۱۹، صص ۵۴ و ۵۶.

۱۶۳
سرآب یک ژنرال، بازشناسی نقش ارتشید ...



THE MINISTER OF DEFENCE

Tel-Aviv, January 4, 1979

PERSONAL-CONFIDENTIAL

H.E. General M. Toufanian
Vice Minister of War
Ministry of War
Saadabad, Teheran
Iran

My dear General,

I am availing myself of the opportunity of our friend's visit to you in order to send you these few greetings, and to thank you personally for the wide assistance we have received from you during many years of mutual cooperation and to this very day.

We here have been closely following the very turbulent course of events in Iran with a great deal of suspense and worry.


We all deeply hope that the time is near when the violence and upheaval will cease and the situation will return to normal.

I am now keenly awaiting the return of our friend in order to hear his report of his discussions with you.

Hoping these lines find you and your family in the best of health and in good spirit.

With warm personal regards.

Yours sincerely,


Ezer Weizman
Minister of Defence

نامهٔ عزر وایزمن، وزیر دفاع رژیم اسرائیل به حسن طوفانیان ۴ ژانویه ۱۹۷۹ | ۱۹۷۸

شده بود خمپاره‌اندازهای اسرائیلی با پروانهٔ اسرائیل در این کارخانه در خط تولید انبوه قرار گیرد.^{۸۶} موضوع ساخت موشک زمین به زمین با توانایی استقرار کلاهک هسته‌ای نیز از دیگر موضوعات مورد بحث طرفین بوده است.^{۸۷} طوفانیان در مسافرت تیرماه ۱۳۵۷ خود به اسرائیل، نشستی را با ژنرال عزر وایزمن، وزیر دفاع این رژیم منعقد نمود. رهیافت به آنچه که در این دیدار میان وایزمن-طوفانیان گذشت در شفاف کردن مواضع طرفین کمک شایانی می‌نماید. در همین دیدار، عزر وایزمن تصریح می‌کند که نخستین ملاقات وی با محمدرضا پهلوی به یازده سال پیش -مارس ۱۹۶۶م / ۱۳۴۵ش- بازمی‌گردد.^{۸۸} طوفانیان در این دیدار به وایزمن اظهار می‌دارد:

ما تنها دو کشور [ایران و اسرائیل] در منطقه هستیم که می‌توانیم به یکدیگر متکی باشیم.^{۸۹}

۸۶ همان مأخذ، ص ۵۷. ۸۷ همان مأخذ، ص ۶۰. ۸۸ همان مأخذ، ص ۷۱. ۸۹ همان مأخذ، ص ۸۵.

پیوندهای نهان و آشکار طوفانیان با عناصر رژیم اسرائیل تا آستانه پیروزی انقلاب اسلامی برقرار بود. نمونه برجسته این ارتباط، نامه وایزمن، ۳۸ روز پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، است. در نامه وایزمن به این موارد اشاره می‌شده:

۱. سپاسگزاری از طوفانیان به خاطر «کمکهای بی‌دریغ طی سالها همکاری متقابل که تا به امروز ادامه دارد.» از تاریخ فرستادن نامه پی می‌بریم که این همکاریها تا واپسین روزهای سقوط سلطنت پهلوی ادامه داشته است.

۲. اظهار امیدواری عمیق سران رژیم اسرائیل به پایان یافتن آنچه به زعم آنان «شورش و بلوا» در ایران بود.

۳. توجه به این موضوع که میان وایزمن و طوفانیان دوست و رابط مشترک ویژه‌ای وجود داشت که پیامها را میان این دو رد و بدل می‌کرد.^{۹۰}

از مجموع آنچه بیان شد می‌توان به ارتباط نزدیک و با اهمیت طوفانیان با عوامل صهیونیستی پی برد، ارتباطی که سالها قبل برقرار شده بود و تا واپسین روزهای حاکمیت نظام شاهنشاهی ادامه داشت.

ماجرای فروش آواکس به ایران

روز ۱۷ آبان ۱۳۵۶ / ۸ نوامبر ۱۹۷۷ ارتشبد طوفانیان در پاسخ به پرسش یکی از خبرنگاران درباره خرید هواپیماهای آواکس از ایالات متحده، گفت که تعداد هفت فروند هواپیمای آواکس خریداری شده است و این معامله تمام شده تلقی می‌شود.^{۹۱} شاه، در گذار به سوی سراب تمدن بزرگ، چاره را در خریدهای فراوان جنگ‌افزارهای نظامی می‌دید. آواکس، هواپیمایی که سامانه پیچیده هشدار هوایی و فن‌آوریهای الکترونیکی و رایانه‌ای ویژه‌ای در آن وجود داشت و سامانه استراق‌سمع آن مدرن و پیشرفته بود، بیش از هر چیز وی را وسوسه و تحریک به خرید می‌کرد.

در اوایل سال ۱۳۵۴ اعلام شد که شاه مایل به خرید دو فروند از هواپیماهای آواکس است. نرخ هر فروند آن حدود ۱۰۰ میلیون دلار اعلام شده بود. چندی بعد در پی سفر محمدرضا پهلوی به امریکا، وی از نزدیک با فعالیت و شعاع عملیاتی این هواپیما آشنا شد و تعداد سفارش به پنج فروند رسید. امریکاییها مایل بودند رقم سفارش به دو برابر افزایش یابد. نکته جالب آن که شعاع مؤثر سامانه رادار آواکس تا ۲۰۰ مایل - حدود ۷۴۰

۹۰. تاریخ معاصر ایران (کتاب چهارم). تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۱. صص ۲۶۱-۲۶۳. اصل سند به شماره ۴۹-۳۲-۸۹۳. ط در مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران نگهداری می‌شود.

۹۱. اطلاعات (روزنامه). مورخ ۱۳۵۶/۸/۱۷.

کیلومتر- برد دارد و قادر است هر حرکت نظامی و غیرنظامی را ردیابی کند و گزارش دهد، و برای گستره‌ای چون سرزمین ایران، دو فروند آن کافی به نظر می‌آید و سفارش بیش از این تعداد تا رقم هفت، جداً تأمل برانگیز است.

در سال ۱۳۵۶، موضوع فروش هواپیمای آواکس به گونه‌ای جدی پیگیری شد. کنگره آمریکا با فروش این هواپیما موافق نبود. امریکاییها نگران بودند که در صورت سقوط شاه، فن‌آوریهای مدرن و پیشرفته این هواپیما در اختیار همسایه شمالی ایران - اتحاد جماهیر شوروی - رقیب عمده‌شان قرار گیرد.

بدون تردید فروش هواپیمای آواکس به سود امریکاییها بود. کمپانی سازنده این هواپیما بی‌نیاز از دلار کلان آن نبود که قطعاً بیش از هزینه تمام شده بود. موضوع ردیابی و در واقع جاسوسی همسایه شمالی نیز از اهمیت خاصی برای امریکاییها برخوردار بود؛ و بالاخره شمار فروش هواپیما - هفت فروند - این گمان را تقویت می‌کند که حفاظت هوایی آن می‌بایست در گستره منطقه خاورمیانه و زیر نظر کارشناسان فنی که تقریباً بیست نفر برای هر فروند مورد نیاز بود عمل نماید؛ و دست آخر، انتقال اطلاعات بازیافته به سازمان اطلاعات و امنیت ملی آمریکا.

در مجموعه اسناد و مدارک بازمانده از طوفانیان در ایران نامه‌ای از کارتر، رئیس‌جمهور آمریکا، به سناتور همفری یافت شد که حائز اهمیت است. در این نامه ابتدا به بررسی موضوع فروش آواکس به ایران در کمیته فرعی کمکهای خارجی سنا اشاره شده است. در پی ابراز واکنشهای منفی با فروش آواکس به شاه، موضوع به کمیته روابط خارجی ارجاع می‌شود. سناتور همفری شش شرط برای فروش عنوان می‌کند و سرانجام، این کارتر است که حرف آخر را به همفری می‌زند. و این به خوبی آشکار می‌سازد کمیته روابط خارجی، فروش آواکس به ایران را تصویب خواهد کرد چرا که به سود ایالات متحده است. در این نامه به موضوع «ثبات و توازن نظامی منطقه خاورمیانه» نیز توجه شده است. به این سند توجه فرمایید:

جناب آقای هوبرت همفری، سنای ایالات متحده، واشنگتن دی.سی.

سناتور همفری عزیز

نامه مورخ ۲۷ ژوئیه جناب عالی مبنی بر اقدامات کمیته فرعی شما درباره‌ی طرح پیشنهاد فروش سامانه هشداردهنده و کنترل هوایی (آواکس) به ایران را دریافت کردم. موجب خرسندی این جانب است که کمیته فرعی کمک‌های خارجی به دور از هر گونه حب و بغض و تعصب، قطعنامه پیشنهادی عدم تصویب فروش آواکس به ایران را تقدیم کمیته روابط خارجی کرد. این جانب به سهم خود از تلاش کمیته فرعی به منظور کمک به ما برای یافتن راه‌حل این موضوع به گونه‌ای که به نحو

احسن در راه منافع ایالات متحده و ایران باشد، قدردانی می‌کنم. برای اطمینان خاطر جناب‌عالی، قضاوت و ارزیابی این جانب، این است که فروش آواکس به ایران موجب ثبات در توازن نظامی منطقه خاورمیانه خواهد شد. عطف به تعهدات شش‌گانه‌ای که در نامه‌تان تضمین آن را خواستار بودید، این جانب آماده پذیرش تضمینهای لازم هستم. همچنین، با توجه به نکات یاد شده، اطمینان دارم تمامی اعضای کمیته به این نتیجه خواهند رسید که فروش آواکس به ایران اقدامی در جهت منافع ملی ایالات متحده می‌باشد و این که طرح عدم تصویب فروش سامانه آواکس به ایران نیز مورد تصویب و موافقت اعضای کمیته قرار نخواهد گرفت و از سوی آنان رد خواهد شد.

مجدداً از جناب‌عالی و اعضای کمیته‌تان به خاطر برخورداری از روح سازنده‌ای که در سایه آن این موضوع بغرنج را رسیدگی کردید، سپاسگزاری می‌کنم. ارادتمند، جیمی کارتر^{۹۲}

مدتی بعد، دو سناتور امریکایی بیانیه‌ای در خصوص فروش هواپیمای آواکس به ایران، صادر می‌کنند. در این بیانیه، بررسی فزونتر موضوع فروش مورد تأکید قرار گرفته است.

بیانیه سناتور همفری (دی. مین) رئیس کمیته فرعی کمکهای خارجی و سناتور کیس (آر. ان. جی) عضو اقلیت رده‌بندی ۲۸ ژوئیه. ما تمایلی به تأخیر در زمینه فروش این سامانه نداریم و با ماهیت این موضوع نیز دچار مشکل عمده‌ای نیستیم، بلکه نگران آن هستیم که زمان کافی برای بررسی دقیق و تصمیم‌گیری تمامی اعضای سنا در این خصوص وجود ندارد. رئیس‌جمهور در برابر کنگره متعهد شده است که تقاضاهای ما و اعضای دیگر کمیته فرعی و کل کمیته مناسبات خارجی را برآورده سازد. با وجود این، به علت ماهیت فنی این مسائل و اهمیت فروش آنها برای امنیت ملی ما، سنا برای تصمیم‌گیری درباره فروش و تضمین آن به زمان بیشتری نیازمند است. در نتیجه، احتراماً درخواست می‌کنیم رئیس‌جمهور اعلامیه قصدنامه را در ماه سپتامبر با تضمینهای موجود در آن و نیز تضمینهای مناسب دیگر ارائه کند. این امر به سنا زمان کافی خواهد داد تا پس از تعطیلات ماه اوت، این فروش و نیز تضمین‌هایی را که رئیس‌جمهور در نامه امروز خود ذکر کرده، بررسی نماید.^{۹۳}

۹۲. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. شماره سند ۲۵-۳۲-۸۹۳ط.

۹۳. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، پرونده حسن طوفانیان، شماره سند ۹۶۱.

Honorable Hubert Humphrey
United States Senate
Washington, D. C.

Dear Senator Humphrey:

I have received your letter of July 27 informing me of the action of your subcommittee concerning the proposed sale to Iran of the airborne warning and control system (AWACS), and I welcome the fact that the foreign assistance subcommittee has forwarded without prejudice to the Foreign Relations Committee the proposed resolution for disapproval of the sale of AWACS to Iran. I appreciate the subcommittee's efforts to help us find the solution to this issue that best serves the interests of the United States and Iran.

I would like to assure you that it is my judgment that the impact of the sale of AWACS to Iran will be to stabilize the Middle East regional military balance. As to the six assurances requested in your letter, I am prepared to make them to you. In view of the foregoing, I also trust that the full committee will now conclude that the sale of the AWACS to Iran is in the national interest of the United States and that the resolution of disapproval will not be endorsed.

I thank you and the members of your committee again for the constructive spirit in which you have addressed this complex issue.

Sincerely,

Jimmy Carter

نامه کارتر به همفری، سناتور آمریکایی در خصوص فروش آواکس به ایران | ۳۵-۳۲-۸۹۳ط

چندی بعد - اواخر آذرماه ۱۳۵۶ - مطبوعات ایران خبر از کشف یک شبکه جاسوسی مربوط به شوروی، توسط نیروهای امنیتی را دادند. مدتی بعد - ۴ دی ۱۳۵۶ - سرلشکر احمد مقربی که در ستاد مشترک ارتش خدمت می‌کرد به جرم جاسوسی برای شوروی و عضویت در این شبکه تیرباران شد. شش روز بعد - ۱۰ دی ۱۳۵۶ - جیمی کارتر به ایران سفر کرد. فریدون هویدا می‌نویسد:

از شخص بسیار مطلعی شنیدم که شاه این نمایش جاسوس‌گیری را عمداً برای فشار به کنگره آمریکا ترتیب داده بود تا به سناتورهای آمریکایی نشان دهد که علی‌رغم نظر آنان در مخالفت با فروش هواپیماهای آواکس به ایران به خاطر ترس از دستیابی شوروی به این هواپیماها - تشکیلات ضد جاسوسی ایران آنقدر منظم و مرتب کار می‌کند که به سرعت هر جاسوس شوروی را از میان برمی‌دارد.^{۹۴}

اما از سوی کارتر، پیش از سفر به ایران بیانیه‌ای صادر شد و در آن چنین آمده است:

دفتر دبیر مطبوعاتی کاخ سفید، کاخ سفید، بیانیه رئیس جمهور

در پاسخ به پیشنهاد ریاست سنا و کمیته فرعی کمکهای خارجی سنا، رئیس جمهور اطلاعیه فروش آواکس به ایران را بازپس می‌گیرد و در تاریخ ۷ سپتامبر، روز تشکیل کنگره، آن را به کنگره تسلیم خواهد کرد تا در مورد آن به عنوان فروش تسلیحات سال مالی ۱۹۷۷ تصمیم گرفته شود. زمان کنگره به علت اولویت قانونگذارهای دیگر محدود است. رئیس جمهور مایل است تا به اعضای سنا و کاخ سفید، وقت کافی دهد تا بتوانند مقوله فنی و پیچیده پیشنهاد فروش سامانه را مورد بحث قرار دهند. رئیس جمهور اطمینان دارد پس از این که کنگره پیشنهاد فروش را کاملاً مورد بحث قرار داد و تضمین موارد امنیتی و مدیریتی سامانه آواکس را در ایران ارزیابی کرد، نظر و دیدگاه پارلمانی موافقی نسبت به این امر یابد.^{۹۵}

بحث درباره فروش هواپیماهای آواکس و همچنین هواپیماهای فانتوم F-16 و F-18 در کنگره آمریکا به درازا کشید و با شدت یافتن دامنه تظاهرات و اعتراضات مردم، بر نگرانی مقامات امریکایی افزود و با سقوط رژیم شاهنشاهی موضوع فروش منتفی گردید.

در آستانه انقلاب

در پاییز ۱۳۵۷ از سوی جامعه کارکنان بانک مرکزی ایران، اطلاعیه‌ای بدون تاریخ منتشر شد که در آن، صورت ۱۹۵ مورد خروج مبالغ قابل ملاحظه‌ای ارز طی ماههای شهریور و مهر ۱۳۵۷ به خارج از کشور توسط سرمایه‌داران و رجال سیاسی و نظامی وابسته به رژیم شاه آمده بود، این فهرست، نام ارتشبد حسن طوفانیان نیز به چشم می‌خورد که موفق شده بود مبلغ ۲۸۰ میلیون تومان را به خارج از کشور انتقال دهد. اوضاع ایران روز به روز بحرانی‌تر می‌شود. کابینه‌های گوناگون بر سر کار می‌آیند و چندی بعد در پی موج اعتراضات و قهر مردمی از صحنه خارج می‌شوند. ارتشبد عباس قره‌باغی به ریاست ستاد بزرگ ارتشتاران منصوب می‌شود. یکی از اقدامات قره‌باغی در آن بحبوحه، تشکیل شورایی به نام «کمیته بحران» به منظور ایجاد هماهنگی بین نیروها بود که کلیه مسائل مربوط به ارتش، اغتشاشات و اعتصابات و معضلات اجتماعی و عمومی کشور در آن مطرح می‌شد. در صدر اعضای این کمیته، ارتشبد حسن طوفانیان،

۹۵. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، پرونده حسن طوفانیان، شماره سند ۹۶۲.

جانشین وزیر جنگ و رئیس سازمان صنایع نظامی قرار داشت. قره‌باغی در توجیه علت حضور طوفانیان در این کمیته می‌نویسد:

چون تأمین کلیه نیازمندیها و پشتیبانی لجستیکی نیروهای مسلح، به خصوص قراردادهای خرید اسلحه و مهمات و قطعات یدکی مربوط به نیروهای سه‌گانه تحت نظر وی قرار داشت، لذا حضور نامبرده در کمیته بحران ضروری بود.^{۹۶}

طوفانیان با تکیه بر اطلاعات معمول و ناصحیحی که احتمالاً از منابع صهیونیستی دریافت می‌کرد، اغتشاشات را نتیجه یک توطئه کمونیستی می‌دانست^{۹۷} بنا به اظهار ژنرال هایزر، طوفانیان در آستانه پیروزی انقلاب، از شاه دلخور بود چرا که معتقد بود برای پست وزارت جنگ مناسبت‌تر از ارتشبد شفقت است. به‌زعم طوفانیان، وی لایق‌تر از حتی ارتشبد از‌هاری برای نخست‌وزیری نیز بوده است. یادداشت‌های هایزر را درباره طوفانیان با یکدیگر مرور می‌کنیم:

او مرد پرتحرکی بود که دائماً در حال حرکت بود. بازده و کارایی وی برابر با ۱۱۰٪ بود. طوفانیان نه فقط به عنوان یک سرباز برجسته بلکه به عنوان بازرگانی قابل و شایسته که گرداننده اردنانس عظیم خود در تهران است در همه جای دنیا مورد احترام بود. او تنها افسر نیروی هوایی بود که توانسته بود حصار را شکسته و به رده‌های بالا راه پیدا کند و جزو مشاوران شخصی شاه درآید. اغلب پستهای حساس بالا توسط افسران نیروی زمینی اشغال شده بود و به همین لحاظ او به سبب این پست به خود می‌بالید. ولی به هر حال کمی ناراحت بود زیرا احساس می‌کرد که به عنوان مسن‌ترین، ارشدترین و شاید باکفایت‌ترین افسر ایرانی می‌بایست به پست وزارت جنگ منصوب می‌شد. عقیده داشت که سالها شاه او را دست‌کم گرفته بود. او حتی بر این باور بود که شاه می‌بایست در نوامبر ۱۹۷۸ به هنگام انتصاب دولت نظامی او را و نه از‌هاری را به این پست بگمارد. همچنین احساس می‌کرد حالا که نخست‌وزیر نشد، لاقلاً شاه باید او را به ریاست ستاد ارتش منصوب کند.^{۹۸}

۹۶. اعترافات ژنرال، خاطرات ارتشبد عباس قره‌باغی (مرداد-بهمن ۵۷) ج ۳، تهران، نشر نی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۱۲۷. این اعتقاد دیگر نظامیان ارتش شاهنشاهی نیز بود و از جمله حبیب‌اللهی که در گفت‌وگوی خود با ژنرال هایزر، اظهار می‌دارد: «طوفانیان مرد خوبی است و ضروری است که در ایران بماند. او در واقع به حدی اطلاعات تجاری و تماسهای خارجی دارد که قادر است هر نوع نیاز ارتش را تأمین نماید. او تنها کسی است که می‌تواند پیش‌بینی نکردن ارتش را برای ذخیره‌سازی جبران کند.» مأموریت مخفی هایزر در تهران: خاطرات ژنرال هایزر. ص ۸۴

۹۷. کریستین دلانوآ، ساواک، ترجمه عبدالحسین نیک‌گوهر، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱، ص ۲۵۴.

۹۸. مأموریت مخفی هایزر در تهران: خاطرات ژنرال هایزر. ص ۶۲.

طوفانیان در همان زمان که تمایل به مسئولیت‌پذیری را به ژنرال چهار ستاره امریکایی اظهار می‌داشت، در عین حال سرگرم تقدیم استعفای خود به شاپور بختیار، نخست‌وزیر وقت بود و به دلیل بیماری تقاضای ترک کشور را کرده بود که این خواسته وی از سوی بختیار پذیرفته نشد.^{۹۹} طوفانیان پیش از این نیز از شاه درخواست بازنشستگی کرده بود که این تقاضا نیز پذیرفته نشد و محمدرضا پهلوی نظر به موقعیت بحرانی کشور خواستار ادامه کار وی شد.^{۱۰۰}

ژنرال هایزر در خاطراتش با بیان نگرانی طوفانیان درباره سلامتی خود اظهار می‌دارد:

[طوفانیان] می‌خواست در صورتی که شاه کشور را ترک کند او نیز چنین کند زیرا مطمئن بود که در غیر این صورت کشته خواهد شد.^{۱۰۱}

و در جای دیگر آورده است:

او [طوفانیان] مستمراً به من تأکید کرده بود که وقتی می‌خواهم بروم او نیز بسیار مایل است با من بیاید. اما من فکر می‌کردم که گروه به وجود او کاملاً احتیاج دارد. زیرا او کسی بود که می‌توانست کارهایی را که ممکن است در چند روز آینده پیش آید، اداره کند.^{۱۰۲}

طوفانیان شاید در همین روزها پی به میزان صداقت و رفاقت امریکاییها برده باشد. وی در یکی از جلسات کمیته بحران، پشتیبانی امریکا از ارتش ایران را جز حرف، چیز دیگری نمی‌داند، و می‌گوید:

اریک فن ماربد (معاون مدیر کمک امنیت نظامی امریکا) مرتباً درباره موضوع پرداختهای مربوط به قراردادهای به من مراجعه و مطالبه اقساط معوقه را می‌نماید که فعلاً مقدور نیست.^{۱۰۳}

گویا امریکایی‌ها بیش از سقوط شاه در اندیشه وصول مطالبات مالی خود بودند. آنان

۹۹. اسناد لانه جاسوسی، ج ۲۷ (۲)، سند خیلی محرمانه شماره ۳۴۱ مورخ ۸ ژانویه ۱۸/۱۹۷۹ دی ۱۳۵۷.

۱۰۰. اعترافات ژنرال، خاطرات ارتشبد عباس قره‌باغی (مرداد-بهمن ۵۷)، ص ۱۳۳.

۱۰۱. مأموریت مخفی هایزر در تهران، خاطرات ژنرال هایزر، ص ۶۹.

۱۰۲. همان مأخذ، ص ۴۲۶.

۱۰۳. اعترافات ژنرال، خاطرات ارتشبد عباس قره‌باغی (مرداد-بهمن ۵۷)، ص ۱۴۲.

شاه را از منظر منافع خود می‌نگریستند و نگاهشان در آن ایام صرفاً متوجه منافع خود بود. به فرازی دیگر از گفته‌های طوفانیان در کمیته بحران توجه کنید:

یک کشتی سوخت آورده‌ایم و در خلیج فارس است. نه تنها مرتباً قیمت آن را مطالبه می‌نمایند [بلکه] فشار می‌آورند که ارتش هرچه زودتر ترتیب تخلیه‌اش را بدهد. آن هم با توجه به اعتصابات کارگران و کارمندان بنادر و شرکت نفت عملاً غیرقابل اجراست.^{۱۰۴}

چنین می‌نماید که طوفانیان در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی دچار آشفتگی روحی شده باشد.^{۱۰۵} وی در جریان یکی از جلسات شورای فرماندهان ارتش واقعیتی را به مثابه زبان حال جمع این گونه بیان می‌کند:

ما خودمان هم فکر می‌کنیم یک خورده بی‌غیرت شده‌ایم. باید یک خورده تکان بخوریم، باید یک خورده تکان بخوریم!^{۱۰۶}

۱۰۴. همان مأخذ، ص ۱۴۲.

۱۰۵. این آشفتگی روحی و روانی را در خلال بحث پیرامون طرح اضطراری برق و اشغال و راه‌اندازی نیروگاهها در شرایط اضطراری می‌توان درک کرد:

«ایژمان! ما بررسی کردیم. اگر ما بخواهیم، به اصطلاح، نیروگاهها را اشغال بکنیم و بعد آن عناصر فنی رویش کار کنند، یعنی براهش بیندازند، در تمام سطح مملکت باید این اشغال به طول ناگهانی انجام شود.

اطوفانیان! تیمسار ایژمان! اجازه بدهید که من به شما توهین نکنم. شما ارقام و اعداد بگویید. اینها واردند، وقت این حرفها نیست، اینها واردند، اینها واردند! خودشان می‌دانند، خودشان درآورده‌اند. ایژمان! تیمسار! من...

اطوفانیان! اینها می‌دانند، اینها می‌دانند، اینها می‌دانند! دنبال ارقام و رقم و کاغذ و کاغذنویسی نرویم. وقت نداریم! اینها می‌دانند! اینها می‌دانند! ما مأموریت می‌دهیم به سپهبد ربیعی، به سپهبد حبیب‌اللهی و آن مأمور سازمان صنایع نظامی که اینها با نیروی زمینی فوراً طرح تلفیق را درست کنند. همین! دیگر حرفی نداریم!

ایژمان! تیمسار! درست شده است. شما چرا فریاد می‌فرمایید؟

اطوفانیان! طرح تلفیق را...

ایژمان! به من توهین شد.

اطوفانیان! طرح تلفیق.

ایژمان! عرض کردم که ما چهار روز است داریم بررسی می‌کنیم به عرضتان الان می‌رسانم... شما توهین می‌کنید! مثل برف آب خواهیم شد، مذاکرات «شورای فرماندهان ارتش» (دی-بهمن ۱۳۵۷).

۱۰۶. همان مأخذ صص ۵۰-۵۱.

۴. تهران، نشر نی، صص ۴۴-۴۵.

ماجرای دستگیری و فرار طوفانیان

طوفانیان، آن گونه که فردوست وی را معرفی می‌کند، فردی هوشمند، پرحافظه، سریع‌الانتقال و فوق‌العاده مسلط به حرفه‌اش بود و از نظر رفتار خوش‌برخورد و شوخ‌مزاج بود. بی‌شک طوفانیان به خاطر نوع شغلش که تأمین‌کننده سلاح ارتش شاهنشاهی بود، رابطه‌ای کاسبکارانه با شاه یافته بود. حرفه وی اقتضا داشت تا به گونه‌ای ناپیدا در خدمت «اعلی‌حضرت» باشد و گرنه عنوان و پست وزارت جنگ و ریاست ستاد ارتش اموری نبودند که شاه آنها را از وی دریغ نماید.

طوفانیان در آستانه انقلاب، فرصت فرار از کشور را نیافت. وی در جلسه شورای عالی نیروهای مسلح که در ساعت ۱۰/۳۰ دقیقه صبح روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ منعقد شد، شرکت نکرد. وی تلفنی به قره‌باغی اطلاع می‌دهد که با توجه به حضور ارتشبد شفقت، وزیر جنگ در شورا رخصت عدم حضور وی داده شود.^{۱۰۷}

انقلاب اسلامی پیروز می‌گردد و طوفانیان توسط نیروهای انقلاب دستگیر و روانه زندان می‌شود. گرچه که به گمان برخی، وی پیش از انقلاب از کشور فرار کرد.^{۱۰۸} یک گزارش سری از مجموعه اسناد سفارت آمریکا در تهران نیز حکایت از این گفته «البته» در بدو امر دارد.

(خیلی محرمانه) ایران: کسب اطلاعات بیشتر درباره دستگیری ژنرال طوفانیان نشان داد که برادرش هادی به وسیله نیروهای انقلابی دستگیر شده است. دلیلی نداریم که بگوییم ژنرال طوفانیان هنوز در ایران بسر می‌برد (دفتر وابسته دفاعی ایالات متحده، تهران، ستاد فرماندهی نیروهای آمریکا در اروپا).^{۱۰۹}

تکاپوی نیروهای اطلاعاتی آمریکا در ایران، منطقه خاورمیانه و اروپا در خصوص سرنوشت حسن طوفانیان، نشانگر اهمیت این ژنرال چهار ستاره ارتش شاه برای امریکاییها دارد. گرچه امریکاییها بیش از شخص طوفانیان، از اطلاعات و آگاهیایی که وی در اختیار داشت هر اسنک بودند. هایزر به صراحت به دستگیری و فرار طوفانیان از زندان اشاره دارد.

تیمسار طوفانیان توانست از زندان فرار کند و بعد از چند ماه از کشور خارج شد، در آلمان پیدایش شد و سپس راهی امریکا گشت.^{۱۱۰}

۱۰۷. اعترافات ژنرال، خاطرات ارتشبد عباس قره‌باغی. (مرداد-بهمن ۵۷). صص ۴۸-۴۹.

۱۰۸. خاطرات هادی غفاری. تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴. ص ۳۰.

۱۰۹. اسناد لانه جاسوسی. ج ۴۹، ص ۶۱.

۱۱۰. مأموریت مخفی هایزر در تهران: خاطرات ژنرال هایزر. ص ۴۵۵.

البته طوفانیان پیش از حضور در امریکا، مدت زمانی را در لندن گذراندند. به زعم وی و همفکرانش، دولت موقت انقلاب، پاینده نبود.

منبع بخش خبرگیری داخلی اطلاع داده است که تیمسار (بازنشسته) ایرانی، حسن طوفانیان، دستیار بلندپایه سابق شاه و وزیر صنایع دفاع در حال حاضر در لندن است و در آنجا در جلسه سران نظامی ایرانی که برای سرنگونی دولت فعلی ایران طرح ریزی می‌کنند شرکت دارد... موجب امتنان خواهد بود اگر برای کسب اطلاعات بیشتر درباره ادعای ملاقات تبعیدیهای ایرانی و همچنین تأیید حضور طوفانیان در انگلستان از سازمان اطلاعاتی انگلستان تحقیق شود.^{۱۱۱}

رونوشتی از این گزارش سری برای سفارت امریکا در شهرهای تهران، پاریس و همچنین بخش خبرگیری و ستاد اطلاعاتی فرستاده می‌شود، آنان دست‌بردار نبودند و همه جا رد پای وی را تعقیب می‌کردند.

ژنرال حسن طوفانیان که رئیس بخش تأمین اسلحه ارتش شاه بود، اخیراً وارد کشور شده است. فکر می‌کنم ژنرال طوفانیان اطلاعات وسیعی از جریانهای گرومن و تکس ترون داشته باشد.^{۱۱۲}

و اما در ارتباط با فرار طوفانیان از زندان، متأسفانه آگاهیهای ما به همان اندازه است که حجت‌الاسلام خلیفانی بیان کرده‌اند.

امام به من فرمودند: شنیده‌ام ارتشید طوفانیان را گرفته‌اند، چون اسرار مالی کشور در پیش او می‌باشد، هرچه زودتر به زندان قصر برو و او را در جای امنی نگهداری کن و چند پاسدار به حفاظت از آنجا بگمار. من با عجله به زندان قصر رفتم. دفتر ورودی زندان قصر را ملاحظه کردم که ورود ارتشید طوفانیان را به زندان در آن دفتر ثبت کرده بودند. من با مسئول زندان قصر، فرموده امام را در میان گذاشتم. او گفت: خیالت راحت باشد؛ طوفانیان در جای امنی زندانی است و پنج پاسدار نیز در محل حفاظت گمارده‌ام. چون فرموده امام بود من قانع نشدم و به داخل بند رفتم. قسمتهای مختلف را دقیقاً واریسی کردم، اما اثری از طوفانیان ندیدم.^{۱۱۳}

۱۱۱. اسناد لانه جاسوسی، ج ۳۸، صص ۴۱-۴۰.

۱۱۲. اسناد لانه جاسوسی، ج ۳۴، ص ۲۴۴.

۱۱۳. کیهان (روزنامه)، مورخ ۱۳۵۸/۱۱/۲۹.

حجت‌الاسلام خلیفانی در گفت‌وگوی دیگری با یکی از روزنامه‌ها توضیحات کامل‌تر و جامع‌تری را از این فرار ارائه داد: «حضرت امام روزهای اول انقلاب، بنده را احضار کردند و فرمودند که شما هر کاری

حجت‌الاسلام خلیجی در پاسخ به این پرسش که عزیمت ایشان به زندان قصر در چه تاریخی بوده است، اظهار داشت: در همان بجنوبه پیروزی انقلاب اسلامی بود، شاید هفته آخر بهمن ماه ۱۳۵۷. وی همچنین افزود: آن هنگام زندان قصر به استثنای بند یک خالی از زندانی بود و مسئولیت زندان به عهده آقای... بود.^{۱۱۴}

ارتشبد حسین فردوست در بیان خاطرات خود به واقعه فرار طوفانیان از زندان و اهمیت اسناد و مدارکی که در دفتر کار وی وجود داشت اشاره دارد. به گمان فردوست اگر نقشه فرار طوفانیان طرح‌ریزی نمی‌شد و یا مدارکی که در محل کار وی بود به دست نیروهای انقلابی می‌افتاد، آنگاه یک افشاح بزرگ جهانی در معاملات جنگ‌افزارهای نظامی برملا می‌شد.

در جریان انقلاب، طوفانیان بازداشت شد. نصرت‌الله پس از آزادی از زندان برایم تعریف کرد که روزی عده‌ای آمدند و طوفانیان را از زندان قصر به لویزان بردند (مدارک معاملات اسلحه در لویزان نگهداری می‌شد). ظاهراً در آنجا طوفانیان مدارک را به یک فرد آمریکایی تحویل داده و سپس به اتفاق او از کشور خارج شده است. در آن موقع شایع شد که امریکاییها طوفانیان را به اتفاق من از زندان برده‌اند! محمدرضا در طول سلطنت خود اجازه داد که امریکاییها ارتش را بچاپند و مسلماً در

→ دارید زمین بگذارید و به زندان قصر بروید چون من شنیده‌ام طوفانیان را گرفته‌اند و اسرار مالی ارتش با ایشان بود، پنج الی شش نفر از پاسداران را برای حفاظت ایشان بکار گیرید و در محاکمه ایشان عجله نکنید چون بالاخره بایستی اسرار مالی ارتش و حیف و میل امریکاییها مشخص بشود.

من هم بلافاصله با دستوری که امام فرموده بودند به طرف زندان قصر حرکت کردم و در حین ورود، به دفتر ثبت اسامی زندانیان نگاه کردم که در آنجا اسم طوفانیان ثبت شده بود. من به دفتر وارد شدم. در دفتر آقای... بود. آن هم به عنوان رئیس دفتر کنترل زندان (البته برای من معلوم نشده است که ایشان از طرف چه مقامی در آن دفتر فعالیت داشتند؟! چون بالاخره یا باید از من حکم داشته باشند که حاکم شرع بودم و یا از آقای هادوی که دادستان کل بودند) و من تمام مطالب حضرت امام (ره) را به ایشان گفتم. ایشان در جواب من فرمودند که همه این مطالب را من عملی کرده‌ام و چهار یا پنج نفر پاسدار جهت حفاظت از ایشان گماشته‌ام و شما خیالتان راحت باشد و من از دفتر بیرون آمدم و در یکی از اتاقهای مجاور، نماز مغرب و عشاء را خواندم، می‌خواستم برگردم و جریان را به امام عرض کنم که پیش خود گفتم که این مطلب به آخر نرسیده و لذا روانه بند یک شدم. من تمام سه طبقه بند اول زندان قصر را گشتم و از طوفانیان خبری نبود. برگشتم پیش آقای... جریان را از اول تا آخر به ایشان گفتم. ایشان به من گفت که من درباره طوفانیان به شما چیزی نگفتم و من بی‌اندازه متعجب شدم، چون تا به حال با چنین مسئله‌ای روبه‌رو نبوده‌ام و جریان را بعداً به آقای سید محمد خامنه‌ای گفتم، ایشان به من فرمودند که شاید حواس آقای... جمع و جور نبوده است. عین این مطالب را آقای حاج سعید امانی که در مجلس بودند از من سؤال کردند و من هم به ایشان گفتم و شاید در خاطرشان باشد.»

سلام (روزنامه)، مورخ ۱۳۷۰/۴/۱۶.

۱۱۴. گفت‌وگوی نگارنده با حجت‌الاسلام خلیجی در مهر ماه ۱۳۷۶.

سفارشات طوفانیان، محمدرضا حق و حساب کلانی به طور جداگانه دریافت می‌داشت. چرا امریکاییها پس از انقلاب طوفانیان را فرار دادند؟ زیرا اکثر مقامات امریکایی که هم‌اکنون نیز در مسند قدرت هستند، در این چپاول سهم داشتند. اگر طوفانیان و اسناد خرید اسلحه می‌ماند، انتشار آنها بزرگترین افتضاح جهانی را به پا می‌کرد و خیلیها در امریکا آبرویشان می‌رفت و سرنگون می‌شدند و ماجرای شدیدتر از «واترگیت» به پا می‌شد.^{۱۱۵}

جیمز بیل اظهارنظر فردوست را تأیید می‌کند. به نوشته وی، پیوندهای طوفانیان با پیمانکاران و رؤسای شرکتهای امریکایی به اندازه‌ای نزدیک بود که این گمان را پس از پیروزی انقلاب پدید آورد که عوامل امریکایی فرار طوفانیان از زندان را موجب شدند و وی را به خارج از کشور و سپس امریکا هدایت کردند،^{۱۱۶} تا مبادا با دستگیری طوفانیان، آگاهیهای شفاهی که وی به حافظه سپرده بود برملا گردد. امریکاییها دائماً درصدد کسب اطلاعات درباره اسناد و مدارک مربوط به معاملات تسلیحاتی بودند. گزارش سری سولیوان، سفیر امریکا در تهران، به وزارت امور خارجه این کشور در واشنگتن با عنوان «بحث با نخست‌وزیر درباره آینده مأموریت مستشاری نظامی» مؤید این نکته است.

او [مهندس مهدی بازرگان] و انتظام، نگاه گفتند که در رسیدگی به تعهدات قراردادی بین ایران و ایالات متحده درباره تجهیزات نظامی دچار مشکلات فراوانی شده‌اند. آنها به ویژه درباره صندوق تراست و طرز عمل آن علاقه نشان دادند. چنین به نظر می‌رسد که یک «کمیته» همه اسناد و پرونده‌های دفتر ژنرال طوفانیان را برده و هیچ کس در میان اعضای دولت ایران نمی‌داند این اسناد کجا هستند.^{۱۱۷}

تردیدی وجود ندارد که امریکاییها بعدها به این اسناد و مدارک دست یافتند و با همکاری عوامل داخلی خود یا آنها را مانند طوفانیان از کشور خارج کردند و یا مجموعه مدارک بازمانده را نابود کردند.

۱۱۵. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۲۲۰.

۱۱۶. شیر و عتاب، روابط بدفرجام ایران و امریکا، ص ۴۷۲.

۱۱۷. اسناد لانه جاسوسی، ج ۱۸، ص ۱۸.

فرجام سخن

استعمار غرب در قرن اخیر از هیچ‌گونه جنگ‌افروزی، قتل، غارت و استعمار ملل دنیا - به ویژه جهان سوم - دریغ نورزیده است. بنا به گفته هارولد مک میلان، نخست‌وزیر سابق انگلستان:

آسیا و آفریقا در حکم دو ریه برای نفس کشیدن غرب هستند، و به همین جهت نیز کشورهای غربی برای حفظ ثبات کشورهای این دو قاره مسئولند.^{۱۱۸}

آنان به منظور برقراری این مجاری تنفسی، امان و نفس را از مردم محروم بردند. به یمن عواملی چون طوفانیان، موفق به شکل‌دهی اوضاع نوینی در منطقه خاورمیانه شدند، عواملی که به سان مأموران اطلاعاتی از ارائه هر گونه آگاهی به دشمن دریغ نوزیدند و دستاوردهای تلاش مردم ایران‌زمین را به یغما بردند. طوفانیان هشتاد و پنج ساله هم‌اکنون در واشنگتن زندگی بسیار مرفه و مجللی دارد و از معدود مقامات به خارج گریخته‌ای است که با گذشت قریب دو دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، زیر بار چاپ یادمانده‌ها و بازگویی خاطرات خود نرفته است. در پایان این نوشتار، گزینه هشت سند دیگر از مجموعه اسناد بازمانده از وی آورده می‌شود.

اسناد ۱

گواهی اعطای لوح نشان شایستگی (درجه فرماندهی) به حسن طوفانیان
سپهبد حسن طوفانیان، از نیروی هوایی شاهنشاهی ایران، با خدمات برجسته و ویژه‌اش به عنوان معاون وزیر جنگ در امور تسلیحات دولت ایران از نوامبر ۱۹۶۷ تا فوریه ۱۹۷۲ شایستگی خود را نشان داد. تیمسار طوفانیان به واسطه مهارت و مدیریت خارق‌العاده‌اش با تلاش بسیار در جهت به کارگیری آخرین فنون و تجهیزات مناسب برای نیازهای ضروری نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران، همواره در جریان آخرین فنون نظامی جهانی قرار گرفته است. روابط دوستانه و صمیمی موجود میان تیمسار طوفانیان و پرسنل امریکایی در حال خدمت در ایران موجب تحکیم مناسبات دوستانه دول ایران و ایالات متحده شده است که خود حاکی از اعتبار والای نامبرده و نیروی هوایی شاهنشاهی ایران است.

ویلیام آر. سایرو^{۱۱۹}

۱۱۸. خدمتگزار تخت طاووس، ص ۳۳۳؛ سخنرانی مک میلان در میهمانی شام سالانه «آستورگودمن».

۱۱۹. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، پرونده حسن طوفانیان، شماره سند ۹۶۵.

[سند ۲]

کنگره ایالات متحده، کمیته روابط بین الملل، مجلس نمایندگان، واشنگتن

دی.سی. ۲۰۵۱۵.

۲۸ فوریه ۱۹۷۸

تیمسار حسن طوفانیان، معاون وزیر جنگ و مدیرعامل سازمان صنایع نظامی،
تهران، ایران

تیمسار طوفانیان عزیز، من از سوی هیئت اعزامی مطالعات پارلمانی به
خاورمیانه به پاس اطلاعات دقیقی که در طول دیدارمان در ماه ژانویه در اختیارمان
گذاشتید، تشکر می‌کنم.

این اطلاعات در بررسی پیشنهادات پارلمانی آینده برای کمکهای نظامی و یا
فروش تسلیحات به ایران بسیار مفید هستند. در واقع، پس از بازگشت، با طرحهای
پارلمانی بسیاری مواجه شدیم و در حال حاضر سرگرم بررسی برنامه‌های پیشنهادی
کمک و فروش تسلیحات نظامی برای سال مالی ۱۹۷۹ هستیم.
بر این اعتقاد هستیم که اجلاس مشترک به ما کمک می‌کند تا سیاستهای ایران را
بهرتر درک کنیم و امیدواریم، در مقابل، پرسشها و پیشنهادات ما در تفهیم دیدگاهها و
سیاستهایمان مؤثر باشد.

با سپاس و آرزومندی موفقیت

ارادتمند شما کلمنت جی. زابلکی رئیس.

[سند ۳]

مارتین ماریتا اروسپاس

شماره ۶۵۴، آریو، آپارتمان رویال، ایران.

لنوای. سوئیک سرتیپ ایالات متحده (بازنشسته) پهلوی، خیابان امانیه

مدیر عملیات خاورمیانه پرتال با مع علوم انسانی تهران، ایران

تلفن و ۲۹۴۴۹۵ و ۲۹۵۵۴۳

داخلی ۲۶۵، ۲۹۱۴۷۷

۳ مه ۱۹۷۸

سرهنگ حسن طوفانیان، معاون وزیر جنگ در تسلیحات، خیابان سلطنت آباد،

تهران، ایران

تیمسار عزیز،

همان‌گونه که استحضار دارید، در سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ چند دوره آشنایی و

توجیهی را در برنامه آرمن کاپرهد (گلوله‌های هدایت شده توسط مسلسل) طی کردید. در آن زمان به راحتی می‌توانستیم با شما و تیمسار اویسی در مورد اطلاعات کشوری-دولتی و غیرمحرمانه صحبت کنیم. اما، همانطور که مستحضرید، سیاستها و روندهای معاملات بین‌المللی مقررات نظامی (ایتارز) پیمانکاران را در ارائه اطلاعات در خصوص برنامه‌های نظامی ایالات متحده و یا سیستمهای تسلیحات به مشتریان احتمالی محدود می‌کند.

همچنین به خاطر دارید که در تاریخ ژوئیه ۱۹۷۶ نامه‌ای به آرمیش ماگ Armish Maag ارائه دادید و طی آن درخواست کردید که از دولت ایالات متحده تقاضا شود برای تدارک ۴۰۰ [کاپرهد] برای استفاده نیروی زمینی شاهنشاهی ایران اقدام نماید. این درخواست توسط [آرمیش ماگ] به ایالات متحده ارائه شد، اما در پاسخ اوت ۱۹۷۶ چنین آمده بود که دولت ایالات متحده نمی‌تواند تقاضای شما را برآورده سازد، زیرا سیستم Copperhead هنوز در حال توسعه بود و ارتش ایالات متحده هنوز آن را نپذیرفته و اقدام به تولید آن نکرده است.

به دنبال این پاسخ، جنابعالی درخواست کردید تا از آخرین اطلاعات مربوط به وضعیت و پیشرفت برنامه Copperhead در حوزه محدودیتهایی که دولت امریکادر مورد انتشار اطلاعات وضع نموده، مطلع شوید. و هدف این نامه نیز همین موضوع است.

برای توسعه برنامه Copperhead تلاشهای چشمگیری صورت گرفته است. با وجود این نمی‌توانم اطلاعاتی غیر از آنچه که در مقالات و خبرنامه‌های متعدد منتشره در انتشارات غیررسمی، غیرمحرمانه و تجاری آمده است، در اختیارتان بگذارم مانند هفته‌نامه هوانوردی و فنون فضایی، نشریه دفاع بین‌المللی و انتشارات صنعتی، تقریباً در تمام موارد، این مقالات حاکی از آن‌اند که طرح Copperhead بسیار موفق بوده است و در موازات اهداف طرحهای اقتصادی که توسط دولت ایالات متحده برای آن در نظر گرفته شده، حرکت می‌کند. چند مقاله را جهت اطلاع به ضمیمه ارسال می‌کنم.

با وجود اینکه، قرارداد تولید جدیدی هنوز به امضاء نرسیده است، شرکت ما قرارداد سرمایه‌گذاری تولید اولیه را کسب کرده است که متضمن این امر است که در آینده نزدیکی قراردادهای تولید افزایش خواهد یافت.

به علاوه، شرکت مارتین ماریتا ارواسیاس امتیاز قرارداد Guided projectile نیروی دریایی ایالات متحده را برای استفاده در عرشه کشتیهای نیروی دریایی را به دست آورده است. از علل عمده اعطای امتیاز این برنامه به این شرکت می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. موفقیتی که شرکت ما ظاهراً در مورد برنامه کاپرهد به دست آورد.

۲. تمایل به این نکته که می‌توان بین دو طرح به مشترکات چشمگیری دست یافت که به کاهش هزینه تولید منجر می‌شود.

۳. عدم موفقیت نیروی دریایی ایالات متحده در برنامه توسعه سلاحهای دریایی پنج اینچی و هشت اینچی.

اکنون، همانگونه که ممکن است در مطبوعات تجاری ملاحظه کرده باشید، غالب کشورهای عضو ناتو علاقه بسیاری به Copperhead نشان داده‌اند و به احتمال بسیار قوی میان دولت امریکا و دولت فرانسه یا انگلستان یادداشت تفاهمی برای تولید مشترک این سیستم تسلیحاتی در اروپا و برای استفاده ناتو تنظیم خواهد شد. تمایل کشورهای دیگر غیر عضو در ناتو نیز به این برنامه بالاست. به عقیده من به کارگیری Copperhead در IIGC در زمانی مناسب برای شما بسیار مفید خواهد بود. در نتیجه آخرین اطلاعات عمده‌ای را که توانستم جمع‌آوری کنم در اختیارتان قرار می‌دهم، و در آینده نیز این کار را ادامه خواهم داد.

همچنین پیشنهاد می‌کنم برای کسب اطلاعات بیشتر، رسمی و جدید با سفارت ایران در واشنگتن دی.سی تماس بگیرید. منابع اطلاعاتی آنها معمولاً پاسخگو هستند و موضع رسمی دولت ایالات متحده را در قبال این مسائل نشان می‌دهند.

ارادتمند شما، لئو ای. سوسک، سرتیپ ایالات متحده (بازنشسته)

مدیر عملیات خارومیانه

ضمیمه: یازده بریده جراید مطبوعات تجاری^{۱۲۱}

اسناد ۱۴

سفارت ایالات متحده امریکا، تهران، ایران ۲۱ نوامبر ۱۹۷۶
ژنرال حسن طوفانیان معاون وزارت جنگ و مدیر سازمان صنایع نظامی، تهران.
ژنرال طوفانیان عزیز

چند هفته پیش، افتخار همراهی شما را در ضیافت ناهاری که به افتخار هیئت امریکایی حاضر در کنفرانس فدراسیون بین‌المللی هوانوردی در محل اقامت اینجانب برگزار شد، داشتم. به خاطر دارید که سه فضانورد از پرواز آپولو-سویوز در آن هیئت حضور داشتند. فضانوردان عکسهایی را که در مدت مأموریت خود از داخل سفینه آپولو از ایران گرفته‌اند، برای ما فرستاده‌اند. احساس می‌کنم شما هم مانند من از وضوح تصویرهای برگرفته از سواحل جنوبی ایران، جزیره کیش و

۱۲۱. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، پرونده حسن طوفانیان، شماره سند ۹۶۴.

بخشی از جزیره قشم متعجب خواهید شد.

با احترامات فائقه
ارادتمند ریچارد هلمز
سفیر^{۱۲۲}

اسند ۱۵

وزارت دفاع

مرکز نیروی هوایی ایالات متحده، آلاباما ۳ مارس ۱۹۷۲
سپهبد حسن طوفانیان، معاون تسلیحات وزارت دفاع نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران
ژنرال طوفانیان عزیز

از دیدار شما، خانم طوفانیان و اعضای دیگر همراه شما در تاریخ ۲۴ و ۲۵ فوریه ۱۹۷۲ بسیار خرسند شدیم. امیدواریم اقامت شما در اینجا سودمند و جالب بوده است. ما از حضور شما نزد خود بسیار خوشحالیم. به ضمیمه عکسهایی را که با هم گرفتیم، ارسال می‌کنم. امیدواریم یادآور خاطرات خوشی از مسافرتتان باشد. من و تمام دوستان در اینجا علاقه‌مندیم که در آینده‌ای نه‌چندان دور، خانواده طوفانیان از مرکز نیروی هوایی ارتش ایالات متحده دیدن نمایند.

با ارادت فراوان

آلن م. بردت، سرلشکر ایالات متحده
فرمانده^{۱۲۳}

اسند ۱۶

لطفاً تمام اقدامات مربوط به قصدنامه (تمایل‌نامه) مورخ ۲ مه ۱۹۷۷ را در خصوص خرید سامانه آواکس به حالت تعلیق درآورید. اگر دولت ایالات متحده مصمم است برای فروش این سامانه شرایطی قائل شود که برای دولت ایران قابل قبول نیست، قصدنامه قطعاً و بدون هیچ شرطی ملغی خواهد شد.
اسند بدون عنوان و امضا می‌باشد

۱۲۲. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، پرونده اسناد مرحله ۳ حسن طوفانیان، بدون شماره.
۱۲۳. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، پرونده اسناد مرحله ۳ حسن طوفانیان، بدون شماره.

[سند ۷]

ستاد بزرگ ارتشتاران، بکلی سری، (پیشنهاد خرید) ۱۰ اکتبر ۱۹۶۶
 شماره: ۴۰۱۸۷/۲۰۵۹ ط/۴۵/۷/۱۸

موضوع: خرید تسلیحات و مهمات

عطف به نامه شماره ۶۷۵ مورخ ۲۰ اکتبر ۱۹۶۶

۱. به فرمان اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر، فرمانده کل قوا، تصمیم قطعی کارمندان فرماندهی کل قوا مبنی بر خرید اقلام تسلیحاتی زیر است:

توصیف

تعداد

الف. خمپاره‌انداز ۱۶۰ میلی متری با ابزار و لوازم یدکی ۱۴ دستگاه

ب. خمپاره‌انداز ۱۲۰ میلی متری با ابزار و لوازم یدکی ۲۸ دستگاه

پ. خمپاره ۱۶۰ میلی متری سوخت شدید، تی.ان.تی با چاشنی ۱۰۰۰۰ دستگاه

ج. خمپاره ۱۲۰ میلی متری با گلوله سفید فسفوری پلاستیکی ۲۵۰۰ دستگاه

۲. لطفاً دستور فرمائید نمایندگان صنایع نسبت به خاتمه معامله اقدام نمایند. این عمل شما مایه امتنان خواهد بود.

ارادتمند شما

فرمانده اداره چهارم ستاد لجستیک ارتش، سپهبد حسن طوفانیان^{۱۲۴}

به کلی سری

[سند ۸]

از: سرلشکر سافیلد، رئیس بخش فروش

وزارت دفاع، ساختمان مرکزی، وایت هال، لندن، اس دیلو A ۲۰ ژوئن ۱۹۷۴
 محرمانه تجاری

عالیجناب تیمسار حسن طوفانیان، معاون وزیر جنگ، سلطنت آباد، تهران، ایران.
 پیشنهاد تأسیس صنایع دیده‌بانی شبانه و آلات بصری

عالیجناب

۱. پیرو درخواست شما از مقامات دولت اعلیحضرت در زمان برگزاری نمایشگاه فروش دفاع تهران، به ضمیمه این نامه، چارچوب پیشنهادی برای تأسیس صنایع دیده‌بانی شبانه و دیگر آلات بصری را ارسال می‌کنم.

۲. همانگونه که ملاحظه می‌کنید، این پیشنهاد شامل دو مرحله است که مرحله ششم بر انجام تحقیقات و ارائه پیشنهادات مفصل و نیز خرید تجهیزات، برقراری

۱۲۴. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، پرونده حسن طوفانیان، شماره سند ۹۷۶.

امکانات آزمایشگاهی، حفاظت و نگهداری و آموزشی در ایران است. آموزش مدیران و کارکنان حرفه‌ای برای آینده در مرحله اول در انگلستان آغاز می‌شود. طی مرحله اول برای مرحله دوم برنامه‌ریزی می‌شود و بخش آخر طرح، نهایتاً به شرایطی می‌انجامد که طی آن صنایع ایران قادر به طراحی، ساخت و فروش محصولات خود باشد. به موازات مرحله دوم، مذاکراتی در خصوص موافقت‌نامه‌های مجاز صورت خواهد گرفت.

۳. عالیجناب ملاحظه می‌فرمایند که این ساختار مشابه پیشنهاد مجتمع صنعتی نظامی است که اکنون در اردنانس در حال اجرا است. به همین مناسبت، دولت علیاحضرت تشکیل شرکت مجزایی را در این مرحله توصیه نمی‌کند و پیشنهاد می‌کند که از طریق MTS و وزارت دفاع انگلیس و همکاری نزدیک و عمیق با شرکتهای انگلیسی مرتبط فعالیت نماید. علت این امر آن است که روابط میان سازمانهای بریتانیایی و ایرانی درگیر در این امر هنوز آن گونه روشن نیست که بتوان ترتیبات رسمی را صورت داد. می‌توان قرارداد فرعی برای احداث و عملیات محلی مشابه را با MTS در ایران با همکاری سازمان صنایع نظامی ایران منعقد ساخت.

۴. عالیجناب مستحضر هستند که هدف این پیشنهاد این است که صنایع با ایجاد تسهیلات حفظ و نگهداری و حمایت لجستیکی برای تجهیزات الکترواپتیکال برای استفاده روزمره در ژیتن و اسکورپیون و خرید آتی تجهیزات دیگر و در درازمدت مجاز ساختن اقلام خاصی که IIGF به آن علاقه‌مند است، آغاز شود.

۵. از جنابعالی خواهشمندم ملاحظه فرمایید فن‌آوری به کار رفته در طرح تجهیزات الکترواپتیکال بسیار پیشرفته و جلوتر از آن می‌باشد که صنایع داخلی بتوانند چنین اقلامی را به نحو مطلوبی بسازند. با وجود این، به جنابعالی اطمینان می‌دهم که دولت علیاحضرت و وزارت دفاع تصمیم اکید دارند که صنایع دیده‌بانی شبانه شما را در اولین فرصت از بهترین موفقیت و پیشرفت‌ها برخوردار سازند و به همین دلیل بیشتر تلاشهای مرحله اول صرف آموزش می‌شود. در این مرحله، من یقین دارم جنابعالی مستحضر هستید که برآور هزینه این طرح چندان بی‌مطالعه و مبتنی بر حدس و گمان نیست.

۶. عالیجناب، در نهایت می‌توانم مجدداً به شما اطمینان کامل بدهم که این طرح مهم مورد توجه ویژه من است و دولت علیاحضرت برای رسیدن به موفقیت از هیچ اقدامی کوتاهی نمی‌کند.

ارادتمند شما

لئو، ئی، سوویک

مدیر عملیات منطقه خاورمیانه ۱۲۵